



نابود باد دولت نظا میان - سرنگون باد رژیم مزد و رشاه



مردم ایران آزادی و استقلال و دمکراسی را فدای سازش با ارتجاع نمیکنند مرگ بر سازشکاری، ننگ بر سازشکاران درود و افتخار بر دانشجویان مبارز

نابود باد تفرقه و جدایی پیروز باد اتحاد کبیر خلقهای ایران

کمیتر کسی است که قدری با جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما آشنایی داشته باشد و تاکنون به شکافی که میان نیروهای مذهبی و مارکسیست پدید آمده، پی نبرده باشد، و کمتر کسی است که کوچکترین علاقه‌ی به پیروزی نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلقهای ایران داشته باشد و فرهای جبران ناپذیری که این قبیل شکافها به جنبش ما و اتحاد و یک پارچگی آن زده است را نداند. این مسئله بیبندی لا ینفک با امر اتحاد کلیه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی بر علیه رژیم و امپریالیسم را داشته و جایگاهی بسیار مهم دارد و در نتیجه حال که این شکافها ابعاد جدیدی پیدا کرده و زخم کهنه دوباره سر باز کرده است و گمانی هم بدون احساس مسئولیت و از انگیزه‌های عمیقاً ضد انقلابی برآر نمک میباشند، چا دارد که همسایه‌های جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما در جهت تحکیم اتحاد نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی و از موضع تحکیم همبستگی خلق در میان رزه آزاد بخش ملی برخوردار نموده و از همه سو برای برطرف کردن این مشکلات بکوشند.

کمیتر کسی است که قدری با جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما آشنایی داشته باشد و تاکنون به شکافی که میان نیروهای مذهبی و مارکسیست پدید آمده، پی نبرده باشد، و کمتر کسی است که کوچکترین علاقه‌ی به پیروزی نهضت دمکراتیک و استقلال طلبانه خلقهای ایران داشته باشد و فرهای جبران ناپذیری که این قبیل شکافها به جنبش ما و اتحاد و یک پارچگی آن زده است را نداند. این مسئله بیبندی لا ینفک با امر اتحاد کلیه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی بر علیه رژیم و امپریالیسم را داشته و جایگاهی بسیار مهم دارد و در نتیجه حال که این شکافها ابعاد جدیدی پیدا کرده و زخم کهنه دوباره سر باز کرده است و گمانی هم بدون احساس مسئولیت و از انگیزه‌های عمیقاً ضد انقلابی برآر نمک میباشند، چا دارد که همسایه‌های جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی ما در جهت تحکیم اتحاد نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی و از موضع تحکیم همبستگی خلق در میان رزه آزاد بخش ملی برخوردار نموده و از همه سو برای برطرف کردن این مشکلات بکوشند.

منظم‌اش شدیداً برای لیبرالها کف زدند. ولی جنبش مردم ایران در تمامی یکساله گذشته تحت نفوذ لیبرالها نبود، توده در خیابان و بسه قدرت خود برای همه سیاست تعیین میکرده لیبرالها در جریان روزهای بعد از فاجعه آبادان کوشیدند تا با نامنویسی احزاب و دستجات خود پیش‌نقش راهبر توده را برای خود دست و پا کنند ولی این کلاه کمی برایشان گشاد بود، پوچی تبلیغات چند روزه قبل مبنی بر اینکه لیبرالها توده را هدایت میکرده‌اند در ۱۶ شهریور و تظاهرات هفت و شیم میلیون نفری سراسر ایران عیان شد، دیگر کسی ادعای حفظ نظم آن تظاهرات عظیم را نکرد، بخصوص که توده خودش را برای مبارزات قهری و خونین آماده میکرده. جمعه خونین جنایت بزرگی بود که دستهای شخصی محمد رضا شاه در هدایت آن مستقیماً نقش داشت، جمعه خونین فریبهای بر بیکر جنبش ما بود ولی فریبهای که توده از آن نیرو گرفتند جمعه خونین در عین حال ناقوس مرگ "آشتی ملی" شریف‌امامی را به بارزترین و مصممترین شکل ممکن و با انتشار خون بیش از ده هزار دلاور مرد و زن نواخت. اگر لیبرالها در آن زمان به آشتی بسا ارتجاع دل بسته بودند، جمعه خونین فضا را بسا بوی خون و باروت و دود پرکرد، هیچ کسی جرأت بیان لغت سازش را نیز نداشت. عکس العمل توده تشدید مبارزات خیابانی و اعتصابی بود. طبقه کارگر قهرمان ایران عظیمترین مبارزات اعتصابی سیاسی خود را آغاز کرد و به همراه آن کارمندان بقیه در صفحه ۲

عز آز

ماهنامه

کفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی
(برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی)
Shahzadhome - Azar
Monthly Bulletin of Confederation
(National Union) of Iranian Students
شماره ۱۷
آذر ۱۳۵۷
نوامبر ۱۹۷۸

نه دولت نظامی ، نه دولت ائتلافی ، حکومت شاه را نجات نخواهد داد .

کمیتر از دو ماه از رویداد جمعه خونین گذشته بوده که در یکشنبه ۱۴ آبان مردم دلاور تهران ضرب‌بستی جانانه به محمد رضا شاه و همه مرتجعین زدند ، حکومت نظامی اویسی جنایتکار مانند حسابی لرزان بر آب بود که با تریه یکشنبه در هم نکت ، عظیم ترسین ترسین قهری ماههای اخیر بگفته بوقتهای ارتشاه در این روز علیه رژیم سازمان یافته و سراسر در عصر یکشنبه محسمه سنگین محمد رضا شاه منفور که در صحن دانشگاه سالها مایه تشدید نفرت به رژیم و شخص شاه بود بقدرت جنبش مردم و جنبش دانشجویی بخاک کشیده شد و توسط همان چرتقیل تمام شب به هر گوشه تهران کشیده شد. مرگ حکومت نظامی را مردم با به آتش کشیدن عکسهای شاه و خاندان منفور و با سوزانیدن بانکها و کنسولگری انگلیس جشن گرفتند. شب هنگام دولت نظامی از هزاری زاده شد . آخرین پناه ارتجاع ایران و دربار یعنی ارتش برای حفظ وطن قروطان و اربابان غارتگران قدرت سیاسی را علناً بدست گرفت. محمد رضا شاه با فشاری سولیوان و دولت آمریکا سخنرانی صذبحانه اش را سر داد که تنها باعث خنده و تفریح توده شد . شاه جنایتکار اینستار قبا " هواداری از آزادی و انقلاب " را بسه دوش کشید ، به توده " قول " داد که اگر یک بار دیگر به او اجازه داده شود ، نشان خواهد داد که " دیکتاتوری " را برچیند " ظلم " را بر کند " از " فساد " خبری نباشد " قول " دار انقلاب خواهد شد " قول داد که دولت نظامی از هزاری بطور موقت سرکار است تا اوفام آرام شود ! آنشب و روز بعد همه مردم بسا خنده‌ای بر معنی و چهره هائی مصمم میگفتند " توبه گرگ مرگ است " آنهم مرگی که بقدرت مبارزه قهر آمیز توده بر رژیم شاه و مرتجعین فرود میآید . دولت " آشتی ملی " شریف‌امامی که پس از جنایت عظیم آبادان سر کار آمد ، نیات پلیدش خاموش کردن آتش خشم و خونخواهی مردم بود ، میخواست منتی لیبرال و سازشجو را واسطه این هدف قرار دهد ، تظاهرات عظیم ۱۳ شهریور را بنام لیبرالها رقم زدند و برای برگزاری

سرنگونی قهری رژیم فاشیستی - سلطنتی و مزدور پهلوی تنها راه رهایی خلقهای ایران است !



گردد تیرهای نظامی آمریکا نشان داد. بنا بر اطلاعات روزنامه نگاران غربی، جلسه‌ای اضطراری درباره اوضاع ایران در دوم نوامبر (۱۱ آبان) با شرکت مهره‌های مهم امپریالیسم آمریکا در واشنگتن تشکیل شد که نتیجه آن چیزی مگر حمایت از شاه نبود، علیرغم کلیه چاره‌جوییها و بررسی راههای فرار از این مغمصه، راه ملی مگر حفظ شاه و سازش با اپوزیسیون دیده نشد و بی جهت نیز نبود که مشاور کارتر بریژنسکی روز بعد تلفنی شاه را از حمایت آمریکا مطمئن نمود.

لیکن این حرکت عمیقاً مرتجعانه آمریکا بدون جواب نماند. جنبش مردم ایران مضمون ضد امپریالیستی خود را در شعارها و خواستهها و عمل مبارزاتی خود عیان کرد، خواسته‌ها، لغو قراردادهای وطن فروشانه با موسسات و انحصارات خارجی، لغو قانون کاپیتولاسیون، اخراج مستشاران و کارکنان آمریکایی از ادارات آنها بود. به آتش کشیدن و منفجر کردن ماشین برخی مستشاران آمریکایی و انگلیسی در جنوب ایران، بیرون ریختن آمریکا ثیبا از اداره مخابرات نمایانگر درجه نفرت مردم آگاه ایران از امپریالیسم بانگی است که تازه نشانه‌های آن بصورت اینگونه مبارزات و شعارها دیده شد که خود سر آغاز جریان ضد امپریالیستی عظیمی برای قطع نفوذ امپریالیستها و بخصوص یانکیبها است.

دولت "مستقل" و "بی طرف" از هاری جلا تنها آلترناتیو آمریکا و شاه بود، این دولت برقرار گمارده شد که ارتش را یکپارچه حفظ کرده و اوضاع را "آرام" گرداند، در عین حال میبایست خود را جدا از شاه و هیئت حاکمه نشان دهد و حتی علیه "فساد" در درون هیئت حاکمه حمله کند، ولی آماج حمله جنایتکارانه اش علیه جنبش انقلابی و توده رنجبر است و بیشتر اینکه شرایط سازش را با "آرام" نمودن بقیه در صفحه ۴

نفت در محل سایر بخشهای صنایع و مبارزات مردم و کارمندان را جهت دادند، خواسته‌های سیاسی آنان که خواسته‌ها همه اقسا و طبقات بود مورد تأیید قرار گرفت، کارگران آزادی کلیه زندانیان سیاسی را طالب بودند، نابودی حکومت نظامی را میخواستند، لغو قراردادهای اسارتبار با کنسرسیوم را میطلبیدند. اینها را همه ایرانیان میخواستند، کارگران نفت مبارزه گوینده و قاطع و پیگیری را برای تحقق این خواسته‌های سیاسی و دمکراتیک دامن زده بودند و سایر اقشار و طبقات با این حرکت قهرمانانه میبایست همراهی کنند، نظم جدیدی در حرکت مبارزاتی توده پدید آمد، در پهنه جامعه تو گوئی کارمندان مخابرات - رادیو تلویزیون روزنامه‌ها - دانشجویان - معلمین - بازاریان کارکنان هواپیمایی - آب - برق و پست - دست‌های یر قدرت طبقه کارگر و خصوصاً کارگران نفت را میفشارند و رده صحنه مبارزه سیاسی و متحدانه علیه رژیم میشوند، و این است که می گوئیم مبارزه توده هدف سیاسی، خواسته‌های سیاسی و سمت معینی بخود گرفت، اتحاد مردم در عمل اینچنین شکوه مند جلوه می دهد، هرگونه سختی که از این اعتصابات میتواند برخیزد از جامعه و مردم وارد آید با آمادگی و فداکاری بیحساب بی استقبال شده است، امروز صحبت از نبود سوخت در شهرها نیست، سخن از جمع آوری کمک برای کارگران اعتصابیگر نفت جنوب است.

اگر اربابان و واشنگتن نشین شاه، با جنایت عظیم جمعه خونین علناً سمت نگرفتند و آنرا رسماً تأیید و حمایت نکردند، دولت نظامی شاه بدون هیچ تاملی از طرف اربابان شاه و بخصوص آمریکا تطهیر شد و دعای خیر آنان بدرقه راه تاریخ آن گردید، باین ترتیب امپریالیسم آمریکا رسماً اعلام کرد که در امور ایران دخالت نمی کند و برای حفظ منافع خود پشت و پناه دولت نظامی است، در عین حال نیت خود را برای پیساده

را بدست گرفت، دیگر شاه خونخوار نبود کسه تهدید میکرد، این عنصر مفلوک بود که به در بوزگسی "توبه کردن" برای عوام فریبی ایستاده بود. دولت نظامی شاه اینبار وظیفه داشت که با مطلع شرایط را "آرام" گرداند و در عین حال خود را پدیده‌ای نوین بنما باند. دولت نظامی شاه قرار بود ماسک "بیطرفی" و "استقلال" را به چهره بکشد، به این گمان که چون دولت نظامی است و از سیاست بازی بدور است با همه یکسان رفتار میکند، وبی جهت نبود که امپریالیستهای آمریکا میبایست مهره‌های مهمی چون نصیری و هویدا و ثابتی را دادند تا شاه را حفظ کنند، تجربه تاریخی نشان داده است که ارتجاع زمانیکه این جنایتکاران را "دستگیر" میکند در حقیقت اینان از گردونه اصلی خدمتگزاران شاه و آمریکا کنار گذارده شده‌اند، داستان مفتضح "از کجا آورده‌ای" سالهای ۳۹ - ۴۱ که سپید گیا، با تمانقلیج و جمعی دیگر از مرتجعین و جلادان را ربوا کرد و آنها را کنار نهاد خود گمراه این مسئله است. شایع است که دولت نظامی شاه در روزهای بعد از ۱۴ آبان اعلام کرد که قصد دارد پنجاه نفر را "دستگیر" کند و بیش از دوهزار نفر از "هزار فامیل" به خارج گریختند. البته تا توانستند ثروت توده رنجیده ما را نیز بفشارت بردند. هیات حاکمه ایران تا به آن حد متزلزل شده بود که هر جنایتکار و خائنی در فکر حفظ پوست خویش بود. در همین روزها بود که هشتاد و چهار تن به این امید که از دست خشم توده در امان باشند! "بیطرفی" دولت دست نشانده از هاری توفله‌یی است که علیه جنبش یورش برد، انقلابیون و فعالین را دستگیر و یا نابود کند. هم اکنون اولین نشانه‌های توده در این راه بود. در گذشته شدن "اتفاقی" ته‌بندی سیاسی از بند رها شده دیده میشود، دولت از هاری و عمال جنایتگرش بدنبال دستگیری دوسه‌باره تعداد زیادی از آزاد شدگان اخیر هستند. دولت نظامی "مستقل" است چون هدفش منحرف کردن آماج مبارزات مردم از هدف اصلی آن، سلطنت و دربار و شاه میباشد. که گویا شاه دیگر نقشی در هدایت امور نداشته و کشتارها به دستور از هاری صورت میگیرد. در مصاحبه با خبرنگاران از هاری میگوید: "من مسئول هر چه در این کشور میگذرد هستم، هر کشتاری توسط ارتش، برای راه انداختن کارها میشود من مسئول هستم شاه." این "بیطرفی" و استقلال در عمل قرار است "اعتقاد" لیبرالها و توده را جلب کند که گویا کشتی‌بان را سیاستی دیگر آمده است و در عین حال جنبش انقلابی و پیشروان واقعی توده را نابود نموده و آماج مبارزات فدشاهی و سلطنتی مردم را پراکنده نماید.

اگر بعد از جمعه خونین کسانی بودند که خود سؤال میگردند آیا حکومت نظامی شاه کارگر خواهد شد؟ بعد از ۱۴ آبان هیچکس چنین سئوالی در باره دولت نظامی شاه نمیکرد، همه جواب را میدانند: دولت نظامی نابود شدنی است! بقدری این جواب روشن و طبیعی است که مردم قهرمان ایران برای یک لحظه در ادامه و تشدید مبارزات اعتصابی و توده‌ای مکت نگردند. کارگران قهرمان نفت و سایر رشته‌ها، کارکنان مخابرات روزنامه‌ها و... اخیراً کارگران و کارکنان شبکه سراسری برق با خواسته‌های سیاسی و برجیده شدن حکومت نظامی مبارزه را تشدید کردند. دولت نظامی از هاری فرصت شکل گرفتن نیافت و دیگر زهر چشم گرفتن اش فقط مایه پوزخند و تمسخر بود. جنبش مردم، در ایسن دوره پیکان مبارزه خویش را یافت، کارگران نفت جنوب آن پیکان نیز مبارزه سیاسی علیه دشمن بوده و هستند، مبارزه توده پس از جمعه خونین به کارخانه‌ها و ادارات و مدارس کشیده شد و فقط آن حالت اعتراض خشمگین توده را در خیابان نداشت. در ادامه این مبارزات کارگران

نه دولت... و کارکنان و معلمین و دانش آموزان و دانشجویان مبارزات سیاسی را دامن زدند. رژیم شاه مفلوک حال نه راه هیچگونه سازش و معاشات داشت، و نه قدرت زوال یافته خویش را میتوانست اعمال کند، حکومت نظامی پوسیده اش هم مورد تمسخر توده قرار میگرفت. پس از جهلم جمعه خونین، بزرگترین تلاشها انجام شد تا سازی سر بگیرد، سازش، نه با مردم خشمگین که قهرابه احتجاج بپوش میبردند، بلکه با لیبرالهایی که ادعای نمایندگی توده را داشتند هدف این بود که با فرمولهای مختلف مبارزین و شخصیت‌های برجسته مورد اعتماد توده مانند آیت الله خمینی را با وساطت لیبرالها به سازش با ارتجاع کشانند. لیبرالها که تا چند هفته قبل منتهای آرزویشان شرکت در "انتخابات آزاد" بود و دلشان برای فرستادن نماینده بمجلس شمس مجزود یکباره اوضاع را مساعدتر از حد تصور خود دیدند، امکان شرکت در کابینه آنها را مست و مدعوش کرد و چرا که نباید همه‌گونه دست و پایی برای سازش دادن شخصیت‌های مورد اعتماد مردم با ارتجاع بزنند. هدف از این سازش برای ارتجاع مفلوک و دربار، پراکنده نمودن جنبش توده‌یی مردم و خاموش کردن موج عظیم اعتصابات سیاسی کارگران و کسربندان و دانشجویان بود، هدف یافتن کسربندی بود که جنبش را نابود کند.

لیبرالها هدفشان از یکسو شرکت در قدرت سیاسی بود و از روی دیگر آنان نیز از "زیاده‌روی" توده و حرکت قهرمانانه طبقه کارگر که چرخ اقتصاد را کاملاً فلج میکرد دل خوشی نداشتند، از انقلاب قهرمانانه توده ترس داشته و حال بدشان بود در این دوران قرار بود که در چندان میشد. لیکن اختلاف جناحهای هیئت حاکمه و لیبرالها چه کسی را غیر از همان مشت مرتجع حاکم و عمالشان و لیبرالها و سرمایه‌داران غیر وابسته و خرده سرمایه‌داران مرتجع و آنهم جناح راست آنان را میتوانست با خود داشته باشد؟ هیچ کس! پس میبایست خرده سرمایه داران شهر و روستا را از طریق گرفتن توافق شخصیت‌های مورد اعتماد توده به سوی خود بکشند و مسلماً شخصیت‌های روحانی لیبرال مانند آیت الله شریعتمداری که از مردم خواسته بود به دولت "آشتی ملی" آقای شریف‌امامی سه ماه فرصت آشتی کنند بدهند. شخصیت و نماینده توده‌ای که در همین مدت شدیدترین و خونین مبارزات را علیه دشمن دامن میزد نبود و نیست.

در روزهای بسیار حساس ماقبل ۱۴ آبان بدلیل تشدید مبارزه قهری توده‌ای و اعتصابات کارگری این سازش نتوانست صورت بگیرد و آرزوی ارتجاع در ایجاد "دولت ائتلافی" که مورد توافق و تأیید آیت الله خمینی با شدنش برآب شد. سازش با نگرفت و آیت الله خمینی بسرو بر چیده شدن دربار ریهلوی و سلطنت همچنان ایستادگی کرد.

توده زحمتکش ایرانی با قهرمانیها و جانفشانیها و خونهای که در واپسین روزهای کابینه شریف‌امامی داد رژیم مفلوک و متاصل شاه را به سوی آخرین دستاویز ارتجاعی خود یعنی دولت نظامی روانه کرد. دولت نظامی زها-ری که بدستور امپریالیسم آمریکا و بعنوان تنها راه حل برای حفظ تاج و تخت شاه پیش گذارده شد. خود در اوضاعی بی‌نیابت لوزان و بحرانی سرکار آمد، این توده بود که در ۱۴ آبان به ارتجاع تعرض کرده بود و بساط مرتجعین را با آتش کشیده بود. بحکس حکومت نظامی پوسیده شاه - اوایی، که بدنبال کشتار خونین ۱۷ شهریور و بگمان خود جنایتگران از موضع تعرض روی کار آمد، دولت نظامی از هاری در حالیکه مجسمه شاه خاشن به هر گهشه تهران کشیده میشد و آتش خشم مردم در هر گوشه فروزان بود زمام امور

نا بود...
 اقشار و طبقات مختلف خلق که در انقلاب دمکراتیک ایران دارای اشتراک منافع هستند، شرکت دارند. کرچه هر یک از اقشار و طبقات خلقی شرکت کننده در جنبش دمکراتیک دارای منافع طبقاتی خاص خود و خواسته های ناشی از آن هستند، ولیکن کلیه این خواسته ها تابع اهداف انقلاب دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق بوده و تحت الشعاع آن میباشند. طبقاتی بودن نهضت دمکراتیک ما، وجود ایدئولوژیها و دیدگاههایسی مختلف اجتماعی را نیز در درون جنبش اجتناب ناپذیر مینماید و اقشار و طبقات مختلف خلقی زیر پرچم ایدئولوژی و دیدگاه اجتماعی خاص خود در این انقلاب شرکت مینمایند. اما بهمان ترتیب که خواسته های مشخص هر قشر و طبقه سی تحت الشعاع و تابع اهداف و خواسته های اساسی انقلاب دمکراتیک است، ایدئولوژیها و دیدگاه های مختلف اجتماعی شرکت کنندگان در این انقلاب نیز در خدمت پیشبرد اهداف اساسی آن بوده و نمیتوانند در تضاد با آن قرار گیرد و این مثنی ها و دیدگاه های مختلف ایدئولوژیک و فلسفی و... تا زمانی مترقی و خلقی هستند که در خدمت انقلاب باشند و چنانچه در تضاد با آن قرار گیرند، دیگر جایی برایشان در صفوف جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق نخواهد بود و این امر در ارتباط با خواسته های مشخص هر قشر و طبقه شرکت کننده در این انقلاب نیز صادق است.

تحکیم و قوام بخشیدن به جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق، بمعنای تحکیم همبستگی هر چه بیشتر کلیه اقشار و طبقات خلقی در مبارزه دمکراتیک و فدائیمبرالینستی بوده و هر عملی که در تضاد با این همبستگی و قاطعیت باشد، در خدمت تحکیم جنبش دمکراتیک و استقلال طلبانه خلق نبوده و بلکه در خدمت تضعیف و سربازش به آن میباشد.

جنبش دمکراتیک و فدائیمبرالینستی طبعی برای آنکه بیروز شود در درجه اول نیازمند تشکیل بگرد یک خط منی دمکراتیک انقلابی است. خط منی که به روشنی با کلیه نظرات و برنا مه های سازشکارانه و لیبرالی مرزبندی داشته و آشکارا سرتگونی رژیم حاکم و قطع کامل نفوذ امبرالیسم از ایران را در دستور کار خویش قرار داده باشد. عالیترین تضادهای موجود میان اقشار و طبقات شرکت کننده در انقلاب دمکراتیک در تحلیل نهائی بگرد این مسئله کرده خورده و خواهد خورد. اینجاست که پیگیر یا تزلزل در مبارزه برای آزادی و استقلال و دمکراسی بهترین تبلور خود را میابد و اینجاست که برنامها و منی های گوناگون در مقابل هم قرار میگیرند. پیوند یک مسلمان انقلابی و یک مارکسیست انقلابی، بر اساس همین مسئله یاد شده بمراتب مستحکمتر از پیوند یک مسلمان انقلابی و یک مسلمان سازشکار است زیرا چنانچه نچه دل بستگی به آزادی و استقلال ایران بوجود داشته باشد، هیچ پیوندی نمیتواند میان یک مسلمان انقلابی و مسلمان سازشکار وجود داشته باشد و به همین ترتیب نیز پیوندی میان مارکسیستهای انقلابی و "مارکسیست" های سازشکار وجود ندارد. زیرا معیار، نه دیدگاه های مختلف فلسفی و امثالهم، بلکه اشتراک منافع در جنبش دمکراتیک و فدائیمبرالینستی و نبرد مشترک بر علیه دشمنان مردم ایران است. در جنبش دمکراتیک و فدائیمبرالینستی ما، پیوندی که بر این پایه استوار نباشد مفت شمبارزدی و کمانیکه به این قبیل پیوندها بیش از اشتراک منافع در نبرد مشترک علیه رژیم و امبریا - لیسم بها میدهد، در عمل سستی خود را در عرصه این مبارزه ظاهر ساخته اند و نشان داده اند که در تعیین این معیار اساسی به خطا رفتند.

آندسته از مسلمانان مبارز که در مقابل لیبرالیسم و سازشجوی پاره ای نازهربان مذ - هبی و فتوای آشتی جویانه شان سکوت مطلق اختیار مینمایند و اگر هم حرفی میزنند با هزار کنایه و اشاره منظوران را میرسانند، اما زمانیکه به مارکسیستهای انقلابی میرسند، از هیچ تهمت و ناروا گوئی آشکار پرهیز نمی نمایند، باید از خود بپرسند که آیا اینها - لشان در خدمت تحکیم و جدت جنبش انقلابی خلق است و از این زاویه گفته شده است و یا در خدمت تضعیف اتحاد این صفوف مخدوش کردن آن می باشد.

نه در انتخاب دین اجباری هست و نه در انتخاب مارکسیسم، در عرصه جنبش دمکراتیک مسلمان باید پیشرو اتحاد جنبش را پذیرش اسلام قرار دهند و نه مارکسیستها باید پذیرش مارکسیسم را پیشرو نمایند، زیرا قبول هر ایدئولوژی و دیدگاه فلسفی و امثالهم یک امر خصوصی بوده و منوط به انتخاب آزادانه و نه اجبار فرد است. در قرآن آمده است که "لاکراه فی الدین" (در انتخاب دین اجباری نیست) و متون مارکسیستی نیز در زمینه آزادانه بودن پذیرش مارکسیسم نکوهشهای بجای نمیگذارند. آن مسلمانانی که پذیرش اسلام را شرط مبارزه میکنند بر علیه رژیم و امبرالیسم قرار میدهد، علاوه بر ضربه زدن به اتحاد جنبش نشان داده است که درک درستی نیز از اعتقادات مذهبی نداشته و در واقع اهداف دیگری را دنبال میکند و به همین ترتیب آن مارکسیستی که پذیرش مارکسیسم را شرط مبارزه مشترک بر علیه رژیم و امبرالیسم قرار دهد، نشان داده است که با اینها هیچکس بیسراط و سوری برای اتحاد جنبش دمکراتیک نیستند، آنچه بیسراط و سوری است، یک منی دمکراتیک انقلابی میباشد.

بر رندهای سرتگفته ما دارد تا منظور مشخصه باره ای از برخورد ها نیست که بخصوص از جانب نیروهای مذهبی صورت گرفته و ضربه هاییکه به جنبش ما زده است اشاره نمائیم. همه میدانند که بخصوص در چند ماه گذشته سرخورد های بسیار ناشایستی از جانب نیروهای مذهبی در تظاهرات ها و جمعاعات مختلف برزده که نتیجتا مکر ضربه زدن به اتحاد نهضت نداشته است. در تظاهرات عید فطر عده ای از طلاب مرتب به مردم هشدار میدادند که هراعلامیه غیر اسلامی را پاره کنند و در تظاهرات ۵ شنبه ۱۶ شهریور از دادن شعار "مرگ بر شاه سگ زنجیری امبریا - لیسم آمریکا" زیر این عنوان که شعار کمونیستی است جلوگیری کردند و صحنه های سخت نا شایستی را بوجود آوردند، در تظاهرات یاد بود شهدای جمع خونین و بر سر مزار شهدا در بهشت زهرا به صفوف نیروهای چپ حمله کردند و شعارها را پاره کردند و به زدو خورد پرداختند و در دانشگاه از برگزاری تظاهرات مشترک با نیروهای چپ خودداری کردند و عملا نیروهای جنبش را پراکنده نگه داشتند (تبریز تهران) و... در خارج از کشور چند بسیار گوشیدند جلسات جنبش دانشجویی را بهم بزنند و با شعار تهمت های نظیر "فاشیست" و "دلبای ختگان و سر بپردگان شاه" از کوشش وحدت طلبانه نیروهای جنبش دانشجویی ما "استقبال کردند و اعلامیه های شان را با شعارهای "مردم مسلمان ایران کمونیسم را رد میکنند" آرا - ستند و در مقابل شعار به حق "آزادی کلیه زندانیان سیاسی" شعار سخت انحرافی و کوتاه گزارشتند و آشکارا به توطئه شکست خورده رژیم شاه پا دادند و تمام این لاپلاخلات چه در داخل و چه خارج کشور زیر عنوان "جنبش اسلامی" طرح شده است. یکی از نمایندگان این جریان در جلسه ای تا بدانجا دهن درازی کرد و گفت

که "شهید گلرخی" دلباخته بود اما دلباخته امبرالیسم".
 ما از جناح راست و سازشجوی نیروهای مذهبی انتظاری جز این نداشتیم، زیرا اینها خواهان انقلاب و سرتگونی رژیم نبوده و بلکه به عناوین مختلف میکوشند تا نظام حاکم را حفظ نمایند و در نتیجه هیچ جای تعجب نیست که نیروهای انقلابی بتازند و بکوشند تا مردم را از مبارزه انقلابی بازدارند. این قبیل جریانها - نات در خارج از کشور در طول سالهای گذشته نه تنها کوچکترین نقشی در مبارزات جنبش ما - نشجوی نداشتند بلکه به عناوین مختلف میکوشیدند تا توده های دانشجو را از شرکت در این جنبش باز دارند و در داخل کشور نیز سرشان به حوزه های گرم بود زیر عنوان "مصلحت نیست" طلاب مبارز را از مبارزه علیه رژیم شاه باز میداشتند. آنچه کمی جای تاسف و هزار بار تاسف دارد، موضعگیریها است که اخیرا از جانب پاره ای رهبران مبارز مذهبی در حمله به جنبش کمونیستی و انقلابی وطن بر زده است، موضعگیریها شیکه در همین دوران کوتاه نتایجی سخت انحرافی به بار آورده است.

آیت الله خمینی در اعلامیه های چندگانه ای و بخصوص در اعلامیه ای که به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید صادر کرده اند بی هیچ مجوزی و حقانیتی به نیروهای کمونیستی حمله کرده و حتی تلویحا آنان را "دست ننانندگان و ماموران شاه" قلمداد کرده و بجای دعوت همگان به اتحاد کلیه نیروهای جنبش دمکراتیک، نفاق و چند دستگی را به پیش گزارده اند. آیت الله خمینی در همین اعلامیه نامبرده باز بی هیچ مجوزی و حقانیتی مرتجعیتی چون دارو و دسته کمینه مرکزی حزب توده و آریا با نگرملین شپشاش که کوچکترین نظر سرتگونی کمونیستی وطن ما ندارند را با نهضت کمونیستی ایران یکی گرفته و با یک چوب کوبیده اند اینکارها - نقدر نارواست که کسی امام جمعه های لندنسی و مزدور رژیم را با آیت الله خمینی و مبارزین مذهبی یکی بگیرد. از جمله نتایج نا شایست این قبیل موضعگیریها همین بس که گروهی از نیروهای مذهبی در اعلامیه ای که در ایران پخش شده است مینویسند "حمل پلاکاتی که بر روی آن ها غیر از شعارهای اسلامی درج شده باشد (اتحاد، مبارزه، پیروزی) - (زحمتگان بدانید، شاه نما جلاد است) - (کارگسر - دهقان - دانشجو) از طرف پلیس با واک است و دست نامرئی شاه خاشن است که از آستین بعضی از افراد دست نشانده اش بیرون آمده است."

نیروهای چپ و هوادار کمونیسم بخش قابل توجهی را از جنبش دانشجویی ایران را، چه در داخل و چه در خارج از کشور تشکیل میدهند و همین نیروها نقش بسیار ارزنده و قابل تحسینی در مبارزات این جنبش داشته اند. در طول ۸ سال گذشته همین نیروها، در شرایطی که نیروهای مذهبی کوچکترین نقشی در مبارزات جنبش دانشجویی خارج نداشتند، پرچم این جنبش را بر افراشته نگه داشتند و قاطعانه از مبارزات کلیه اقشار و طبقات خلقی دفاع پرداختند و از کلیه مبارزین چه مسلمان و چه کمونیست بی هیچ قید و شرطی پشتیبانی کردند. شایدلزم به سذکر باند که دانشجویانی که به هنگام سفر شاه خاشن به امریکا تظاهرات نکوهش نمونانگستن را سرکار کردند و مورد تائید آیت الله خمینی نیز قرار گرفتند اما هوادار کمونیسم بودند، همان نیروهای که مسلمانان راست و سازشکار و قبحا به آنها را "دلباختگان و سربرده ها" میخوانند، در حالیکه در همین جریان نیروهای راست مذهبی بجز برگزاری یک اعتصاب غذای غیر فعال و بجز نامه نویسی به سردمداران فاشیسم در امریکا (ندامت نامه به مکدونالد

عضو کنکره امریکائی عضو KKK / و اعلام برائت خود را از حمله به مزدوران ساواک کاری انجام ندادند، شاید لازم به یادآوری باشد که همین دانشجویان در دفعات متعددی که رژیم مرتجع عراق بر علیه آیت الله خمینی توطئه چیده بود با مبارزات و تظاهراتهای رزمنده خود سهم قابل ملاحظه ای در شکست این توطئه ها بعهده داشتند، در حالیکه نیروهای راست مذبح هبی خارج از کشور جز به ارسال یکی دو تلگراف خواهمندانه به رژیم عراق کاری انجام ندادند شاید لازم به یادآوری باشد که در شرایطی که نیروهای راست مذهبی به سبب تزلزلشان در مبارزه علیه رژیم شاه جرات حتی اسم بردن از آیت الله خمینی را نداشتند باز همین دانشجویان بودند که به دفاع و پشتیبانی از مبارزه آیت الله خمینی برخاسته و نام خمینی را به مثابه سبب استقامت و مبارزه مسلمانان مبارز ایران برجسته ساختند. آیا حالا این دانشجویان "بیگانه پرست" و "دلباخته شاه"ند؟ و کمانیکه در طول این سالها جز جملات آنهم مخفی تفسیر قرآن و تشریح ذبح اسلامی کاری نمی کردند "پاسداران استقلال ایران"؟ کارنامه هر کس در مقابل مردم ایران روشن و باز است و نیازی به تشریح ندارد. اینکه به سبب رشد و گسترش مبارزات، پاره ای از نیروهای مذهبی که در گذشته منفعل بوده اند به مبارزه رزواور شده اند، امر مثبت و خوبی است و دست همسه دانشجویان متشکل در تشکلهای جنبش دانشجویی خارج مملئنا برای فشردن دست آنها در بسک مبارزه متحد آماده است ولیکن میبایست که این قبیل نیروها با بود جوئی از مواضع نادرست و سخت تاسف آور رهبران مبارزی چون آیت الله خمینی، میخواستند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و در جنبش بها خاسنه خلق نکافانند - رند و بی بسکم که خای بر دامن شعار اتحاد تمام نیروهای دمکراتیک بر علیه رژیم شاه، شعار "ز هر طرف که نودگشته شود اسلام است" را برداشته اند و هر آنچه غیر اسلامی است را دیسه شاه و امبرالیسم میدانند. دانشجو - یان مبارز و از جمله کلیه دانشجویان مسلمان مبارز باید با هوئیاری تمام به این دیسه ها تفرقه افکنانه برخورد کنند و از رهبران مبارز مذهبی نیز انتظار میرود که نگذارند تا نام و دستاوردهای ارزنده شان آلت دست این جریان - نات شود و ضرها و صدماتی را بیار آورد که جبرانش با بهای سخت گران مکا نپذیر است.

کنعدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی (برای احیاء سازمان واحد جنبش دانشجویی) در پاسداری از سن رزمنده و انقلابی نهضت خلق و با حرکت از منافع والای انقلاب ایران دست خود را برای اتحاد در صفوف متحد - سد و انقلابی مبارزه علیه رژیم و امبرالیسم بسوی کلیه نیروهای مبارز مذهبی دراز مینماید و مطمئیم که خواهیم توانست با اتحاد بگرد یک منی دمکراتیک انقلابی، سهم خود را در سرتگونی رژیم مرتجع پهلوی و قطع دست کلیه امبرالیستها و ایجاد ایرانی آزاد و مستقل و دمکراتیک ایفا نماییم

بشج با خون جلب توجه میکنند "این خون اگیر کریمی از کرج است که امروز صبح، ۱۵ آبان در ایسن محل کشته شده است". مقارن ظهر رادیو ایران خبر از اطلاعیه مهمی که در ساعت ۱۲ ظهر پخش خواهد شد میدهد. در ساعت ۱۲ ظهر صدای شش شنیده میشود که بی ثرمانه توبه نامه ای دادر بر جبران خطاهای گذشته قرائت میکند و خبر از انتصاب یک دولت نظامی را میدهد. عکس العمل ملت نسبت به این بی ثرمی "ملوکانه" فقط یک جمله بود، "توبه کرگ مرگ است"

کارگر، دهقان، دانشجو، پیروز است

کنگره ۲۶

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا عضو
کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی
(برای احیاء سازمان واحد جنبش دانشجویی)

I.S.A.U.S. 26th CONVENTION Dec. 24 - 30

سرگون یادروزم نامستی - سلطنتی و مزدور بیلوی، باو دیاه سلطه خرسن غارتگران بانکی
مکتوباتی و استقلال و دیکرهای را فدای عاریت با ارتجاع میکنیم، مکتوباتی مکتوباتی
میکنیم مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی
سرور یاد استقلال مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی مکتوباتی
کارگر - دهان با دانشجویان

**DOWN WITH THE MONARCHO-FASCIST REGIME OF THE SHAH,
THE U.S. PUPPET**
END ALL U.S. INTERVENTION IN IRANS CIVIL WAR
INDEPENDENCE & DEMOCRACY FOR IRAN

FOR MORE INFORMATION CALL:
(415) 654-9444
برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن فوق با هم بگوئید
OAKLAND MUNICIPAL AUDITORIUM
CITY OF OAKLAND 10 - Tenth Street Oakland, California 94607

جنبش آگاه ایران و جنبش دانشجویی وظیفه دارد بدون هیچ تاملی این توطئه را درهم شکند، هرگز بهر طریق و شکلی نخواهد در این توطئه شرکت کند و بیای میز سازش با ارتجاع رود خائن به آزادی و استقلال ایران است و خلق ما او را نخواهد بخشید، هرگز این توطئه را تأیید کند و بر این خیانت صحنه گذارده، شریک آنست و هرگز در مقابل این توطئه سکوت کند توده را در بلاتکلیفی گذارده و دست ارتجاع و سازفکاران را برای تبلیغات و توجیهات عوامفریبانه و خائسانه باز گذاشته است تا جنبش را به نابودی بکشاند و متحد مردم نیست. بودن با توده و خواهان دولت انقلابی شدن و تدارک سریع برای انقلاب مسلحانه توده‌ای، یا قبول دولت انقلابی و سازش با ارتجاع و خنجر زدن به انقلاب ایران هرگز باید بحکم وجدان سیاسی و وابستگی طبقاتی خویش، انتخاب کند، مردم قهرمان ایران با مبارزات گوهمند و جسورانه خویش راه انقلاب قهرآمیز را برگزیده‌اند و رهبران و انقلابیون کسانی هستند که به این حرکت خدمت کنند و آنرا هدایت نمایند. مسأله همواره پیرو این راه بوده و هستیم و همراه خلقهای قهرمان و طبقه کارگر سترگ ایران اعلام می‌کنیم: نه سازش نه تسلیم طلبی، نه نه نه یک میلیون بار نه، حکومت نظامی شاه نابود شد تا بود باد دولت نظامی شاه، بسوزد باد انقلاب تاریخساز ایران

اخبار...
یک استوار را بقتل میرسانند و در نتیجه این امر رژیم با توب و تانک مردم حمله ور میگردد و ده را با خاک یکسان میکنند.
اصفهان - چندین تظاهرات در روز ۲۵ آبان بوقوع پیوسته است. در یکی از این مبارزات بسیار آتش یک عمده با یک دست زده شد و کشته شد. مسرود پلیس مداخله کرده و بسیاری زخمی و عده‌ای دستگیر میشوند.
ایلام - روز ۲۶ آبان تظاهرات وسیعی در این شهر صورت گرفته که به مداخله ارتش انجامید. اما مردم برای چند ساعت به تظاهرات و مبارزه خود ادامه دادند.
مشهد - تظاهرات عظیمی نیز در مشهد از طرف مردم دلیر و مبارز این شهر بزرگوار گردید. چکمه پوئان رژیم شاه به تظاهرات مردم حمله ور گشتند که منجر به زده و خوردی خونین شده و سر انجام ۱۳ تن از مردم مبارز مشهد به شهادت رسیده و بسیاری زخمی گردیدند.
گرمانشاه - دختران دانشجوی این شهر دسته به مبارزه وسیعی میزنند. پلیس فاشیست محمد رضا شاه به آنان حمله ور گردیده و در این زد و خورد ۶ تن از دختران مبارز دانشجوی مشهد به شهادت رسیدند و ۱۲ تن دیگر بشدت زخمی میشوند.
بهمن مبارزات خونین و قهرمانانه مردم ما، در روز ۲۸ آبان، ۲۱۵ تن از فرزندان غیور میهن از بند آزاد شدند. رژیم مفلوک و پوسیده شاه تلاش کرده است تا رهائی این فرزندان میهن را از بند و زنجیر، نتیجه لیبرال و دمکرات شدن خود و باصطلاح گسترش آزادیها در ایران جا بزند. کیست که نداند که چنین رژیمی با چنان سابقه‌های هرگز نخواهد توانست کوچکتر بن قدمی در راه آزادی حتی یک تن از مردم ایران بردارد و امروز فقط و فقط در نتیجه رشد مبارزات مردم و شجاع دائم آن به پیگیر ارتجاع است که بند از دست و پای این مبارز بین دلاور کشته‌است. اخیراً رژیم به تن آرزوندگان سیاسی قیلا آزاد شده را در یک تصادف ساختگی در آمل به شهادت رسانده است. همچنین رژیم بدنیاال دستگیری عده‌ای از مبارزین از بند رسته، است. مردم ما اعلام نموده‌اند که

نه دولت...
اوضاع و فشار گذاردن بر اپوزیسیون لیبرال آماده کند آنهم سازش با محمد رضا شاه که در حال حاضر آلترناتیو امپریالیسم آمریکا بنظر میرسد. بازداشت آقای سنجابی از فعالین جنبه ملی درست قبل از آغاز کنفرانس مطبوعاتی او، بخشی از این برنامه است که بتواند با جنبه ملی به سازش برسد، هدف اینست که دولتی ائتلافی با شرکت آقایان سنجابی، امینی و جمعی دیگر با قبول سلطنت و شخص محمد رضا شاه و بی شک سلطنته غارتخانه و جنایتکار آمریکا سازمان داده شود و امیدوارند که آیت الله خمینی نیز آنرا تأیید نماید و باین ترتیب ارتجاع هار محمد رضا شاه و اربابان آنرا از انتقام توده رنجیده مضمون بماند. دولت نظامی شاه سکوی پرشی به سوی این جنبش مبارز ننگین و خائسانه‌ای است. مرتجعین باید این امیدها را بگور ببرند. مردم قهرمان ایران هرگز سر سازش با دربار پهلوی و شاه ندارند. مردم میخواهند که اثری از طبقات مرتجع حاکمه نباشد، میخواهند که نفوذ و سلطه جابرانه امپریالیستها از ایران ریشه کن شود، مردم خواهان آزادی و استقلال و دمکراسی حقیقی هستند، هیچ سازشی این آمل و آرزو را نمی توانند کرد. کسانی که تن به قبول چنین سازشی دهند، بطور صریح و روشن با ارتجاع و علیه خلق سمت گیری کرده و از طرف جنبش محکوم میشوند. مردم ما پیرو آن حکومتی هستند که انقلابی بر کار آمد و سیاست و برنامه انقلابی را پیش گذارد و در خدمت توده به کار پرداخت. دولت مردمی در نتیجه سازشهای خائسانه زاده نمیشود. میوه مبارزه مسلحانه سخت و خونین است و با نابودی مرتجعین حاکمه و بخصوص دزدان و مسته محمد رضا شاه و دربار، و با بیرون راندن همه امپریالیستها و بخصوص بانکچها شکل گرفته و قدرت سیاسی را کسب میکند. دولت انقلابی مردم از ائتلاف ممتدی سازشکار و ارتجاع سازشکار حاکم بوجود نمی آید، از وحدت خلقهای سنجابی ایران و بخصوص وحدت کارگران و دهقانان که در مبارزاتی خونین آرمیده شده است ایجاد میشود. دولت انقلابی مردم نماینده واقعی توده بوده و خدمتگزار آنست، نه نماینده امپریالیستها و ارتجاع و سازفکاران، که هدفش بهره‌کشی و اربابی کردن است. حامی دولت انقلابی مردم خلقهای ایرانند که مسلحانه از آن دفاع می کنند، ارتشی انقلابی است که بقدرت جنگ مسلحانه توده‌ای ارتش دشمن را نابود کرده است نه ارتشی مرتجع و جنایتکار که حامی و حافظ منافع سرمایه داران و زمینداران وابسته و امپریالیستها است.
مردم ایران خواهان دولت انقلابیند نه دولت ائتلافی، باید این هدف در میان مردم تبلیغ شود. حال که اوضاع ایران این چنین بحرانی است، اکنون که ارتجاع ایران این چنین متزلزل و شکننده است، حال که شاه خائن و دربار پهلوی بر لب گور خود ایستاده اند و منتظر ضربتی کوبنده هستند که تکلیفشان یک سوه کرده، دولت ائتلافی خیانت بزرگی به آزادی و استقلال ایران است و در عین حال توطئه‌ای خطرناک میباشد. همه کس میدانند که دولت نظامی از هاری قادر نخواهد بود آتش انقلاب و غم توده را خاموش گرداند. هر قدر خونریزی بیشتر عزم توده برای تشدید مبارزه را سخ تر! این قانونی است که بر جامعه حکمفرماست. ولی سازش لیبرالها و ارتجاع چنانچه خوب و بموقع افتاد و رسوا نگردد و چنانچه جمعی از شخصتهای مورد اعتماد مردم آنرا تأیید کنند و یا آنچنانکه لیبرالها میخواهند، دستکم در مقابل سکوت نمایند، باعث گیجی و پراکندگی صفوف جنبش خواهد شد و این خواسته ارتجاع و یکی از مهم ترین هدفهای این دولت خیانت است.

میشود. همچنین در نزدیکی شیر پلا، علامت تاج سلطنتی که از طرف رژیم نصب شده بود توسط دانشجویان انقلابی بزرگ کشیده میشود و نابود میگردد و بجای آن شعارهای انقلابی نوشته شده و علامت دای و چکش کشیده میشود.
اصفهان - اخیراً مردم برای درهم شکستن حکومت نظامی دست به ایجاد راه بنده اتوموبیل از آغاز ساعات عبور و مرور میزنند. ارتش و پلیس هم به هیچ وجه قادر به از بین بردن این راه بنده برای مدت زیادی نیستند. اخیراً در تهران در میدان توپخانه حدود ۵۰۰ اتوموبیل در ساعت شب جمع شده و راه را بند میآورند. ارتش اطراف میدان را محاصره میکند اما مرتباً بر تعداد اتوموبیلها افزوده شده و مدتی طولانی ادامه داشته است.
اصفهان - ۴۵۰ نفر از مهندسين ایرانی رآكتور اتمی در آلمان که برای کارآموزی به آلمان رفته‌اند روز ۲۸ آبان دست به اعتصاب زدند. آنان تظاهراتی در پشتیبانی از مبارزات کارگران بسا خواسته‌های لغو حکومت نظامی و نیز شعام خواست های کارگران آبادان در روز ۲۹ آبان برگذار نمودند و کنفدراسیون (برای احیا ۰۰۰) شیسز فعالانه از آن پشتیبانی نموده و در آن شرکت نمود.

خواستار آزاد ساختن تمام دلاوران به بند کشید، زندانیان سیاسی ایران هستند و بمبارزه در باخرسیدن به این خواست خود، ادامه خواهند داد.
مشهد - هزاران نفر از مردم در چهار نقطه این شهر جمع شده و تظاهرات عظیم و پرشکوهی را آغاز میکنند. این چهار تظاهرات پس از گذشتن از خباثنهای شهریوی منزل آیت الله شیرازی حرکت میکنند. ارتش فاشیست شاه که از قبل در اطراف منزل آیت الله شیرازی مستقر شده بود، زمانیکه تظاهرات به آنجا رسید به صف تظاهرات حمله ور میگردد و زد و خورد خونین و تیر اندازی بی امان منسلب بدستان رژیم آغاز میشود. این زد و خورد برای مدتی بطول میانجامد و در طی آن بسیاری شهید و زخمی میشوند.
تظاهرات بسیار وسیع و خونینی در قم برگزار گردید. مردم پس از تجمع به طرف منزل آیت الله شریعتمداری حرکت میکنند. در نزدیکی محل با صف مزدوران مواجه میگرددند. مردم بسیاری از ماتینهای دولتی و ابزار پلیس و آنچه متعلق به ارتجاع بوده میسوزانند.
تهران - ساختمان آلومینیوم توسط دانشجویان با مبارز اشغال گردیده و شعارهای مبارزاتی به زبان فارسی و انگلیسی از ساختمان آویخته

گزارشی ...

افراد مشکوک تسلیم میشوند. در بازرسی از اتومبیل و این افراد، مقداری نارنجک آتشزا، اسلحه و اعلامیه‌هایی علیه آیت‌الله خمینی و هم چنین یک کارت عضویت ساواک بنام یکی از چهار نفر بدست می‌آید. دستگیر شدگان به زندان موقت جمهوری منتقل میشوند. همانروز اتومبیل و عکسهای این ۴ نفر برای تماشاى مردم در شهر گردانده میشود به پیشنهاد معتمدین محلی و با همکاری صمیمانه قضات و بازپرسان دادگاه آمل با جمهوری، همانروز تصمیم گرفته می‌شود که این ۴ نفر برای محاکمه به دادگاه فرستاده شوند. دادگاه با حضور چند نفر از معتمدین شهر در مقام هیئت منصفه و بریاست یکی از قضات دادگاه، تحت کنترل انتظامی افراد "کمیته حفاظت ملی" و با شرکت عده‌ای تماشاچی شروع به کار میکند. عصر هنگام، در خالیکه دادگاه همچنان مشغول محاکمه این ۴ متهم بود، حمله غافلگیرانه و بسیار سریعى توسط کماندوهای ارتش به محل دادگاه صورت می‌گیرد. حمله کنندگان که تعدادشان زیاد بود با تیراندازی هوایی، شلیک کپسولهای گاز اشک آور و بیپوشی آور، ۴ نفر متهم، ۲ عضو دادگاه و چند نفر از افراد گارد جمهوری را با خود می‌برند و از شهر خارج میکنند. تجربه اول محاکمه خائنین توسط جمهوری با ناگامی بدین ترتیب پایان می‌گیرد.

اداره امور مختلف شهر با نظم و دقت ادامه می‌یابد. در خالیکه ما مورین انتظامی دولت شریف‌امامی در شهر، فقط به مراقبت از محل فرمانداری و شهربانی و مجسمه شاه مشغولند بقیه قسمت‌های شهر بطور کامل در اداره "کمیته حفاظت ملی" قرار دارد. رضایت مردم از جمهوری و همکاری با آن وصف ناسدنی است. آزادی بحث و تشکیل جلسات تبادلی نظر و یادداشت‌ها بطور کامل در شهر برقرار است. گروههای مختلف مردم در تمامی با حکومت مرکزی و برای رهایی کامل از قید استبداد و امپریالیسم یکپارچه و متحدانه در ایران همه از جمهوری آمل سخن می‌گویند. عاملی تهرانی، سخنگوی دولت شریف‌امامی اعلام میکند که "تشکیل جمهوری خلق آمل تکذیب می‌شود" در خالیکه از حضور دستگاہهای دولتی و ما مورین انتظامی در شهر فقط در اطراف مجسمه شاه و در داخل دو اداره شهربانی و فرمانداری اثری دیده میشود و از آنجا که نقطه شدیدا با تانکها و سربازان مسلح حفاظت بعمل می‌آید. امر آذوقه رسانی به حالت عادی بر میگردد. اخبار و اطلاعات مربوط به جمهوری از طریق اطلاعیه‌ها و روزنامه‌های دیواری توسط "کمیته حفاظت ملی" به اطلاع مردم میرسد. بمناسبت های مختلف مردم و کمیته همبستگی خلل نا پذیر خود را با دیگر افراد ملت ایران نشان می‌دهند و آزادی و رهایی خود را در آزادی و رهایی همه افراد ملت از زیر یوغ امپریالیسم و نهاد سیاسی آن یعنی رژیم فاشیستی-سلطنتی محمد رضا شاه می‌بینند. از آنجمله است تظاهرات پرشکوہ مردم در طول حیات جمهوری برای همبستگی با مبارزات مردم همدان و هم دردی با آنها و همراهی با مبارزه آنها علیه دشمن مشترک در همین روز هتل بنیاد پهلوی محل استراحت افراد انتظامی با همکاری یکی از سربازان میهن پرست مورد حمله مردم قرار می‌گیرد و در آنش خشم مردم بکلی میسوزد و منهدم میشود.

دومین هفته حیات جمهوری همزمان است با استقرار دولت نظامی از هاری در ایران. در صبح روز چهارشنبه ۱۷ آبان که مصادف با اولین روز دولت نظامی است، افراد گارد جمهوری آمل شخصی از افراد شهربانی آمل را بنام باسان آتش‌دامن که با صورت گریم کرده و با لباس مبدل در شهر دیده شد دستگیر میکنند. این بار "کمیته حفاظت ملی" با برخورداری از

تجربه تلخ محاکمه ۴ ما مورساواک، این شخصی را که متهم به قتل خانم فروغ را می‌بکسی از شهدای می‌رماه آمل است، برای محاکمه به دادگاه خلق که در محلی مخفی برقرار بود می‌فرستند. در بعد از ظهر همین روز فعالیت های گوناگونی در شهر چشم میخورد. در مقابل شهربانی قریب به ۵۰۰ نفر از دختران دانش آموز برای اعتراض به استقرار دولت نظامی مشغول تظاهرات هستند. چندین هزار نفر از مردم آمل در مرکز شهر بین پل جدید و هتل هراز اجتماع کرده منتظرند که از رای دادگاه خلق در مورد قاتل خانم فروغ را می اطلاع حاصل کنند. در همین اثناء حمله مسلحانه و گسترده ای از طرف یک ستون از ما مورین انتظامی که از بابل وارد شده اند صورت می‌گیرد. تظاهرات و تجمعات به گروههای کوچکتری تقسیم میشوند و جنگ و گریز با وارد شدن نیروهای استبدادی دولتی از ساری و گرگان شروع میشود که ساعتها بطول میانجامد. در این درگیریها زنان و مردان مبارز به مقاومت دلورانه‌ای بر می‌خیزند. آخرین خبرها حاکی از آنست که ۵ نفر از مردم شهردر این مبارزه نا برابری مشد و درفش شهید و تعداد بسیار زیادی زخمی میشوند که حساب تعداد زیادی از آنها وخیم است. تعداد دقیق کشته شدگان بدلیل قطع کلیه ارتباطات و اعمال شدید مقررات حکومت نظامی معلوم نیست چهار رشتبه شب شهر آمل پوشیده از سربازان ارتش و خودروهای جنگی بوده و بصورت شهری اشغال شده و جنگ زده در می‌آید. بیشتر اعضاء "کمیته حفاظت ملی" مخفی میشوند. تعداد زیادی از معتمدین شهر، بازاریان، فرهنگیان، روحانیان و دانش‌آموزان از شهر خارج میشوند و تعداد کثیری نیز بازداشت میشوند. طبق خبر تا شنبه شنبه‌ای که روز سه شنبه ۲۳ آبان بدست رسد دادگستری آمل بحرم همکاری با جمهوری بدست ما موران دولت نظامی از هاری به قتل میرسد.

آریایی و جمعیتد

جمهوری دو هفته‌ای آمل با آنکه در نوع خود از نمونه‌های غرور آفرین مبارزات خلق ماست و در عین حال تجلی آموزنده‌ای از وحدت عمل نیروهای مبارز است، تجربیات تلخ و نا کامیهای را نیز بهمراه داشت. در مقیاس کوچکتری ایجاد "کمیته حفاظت ملی" و اداره امور شهر بدست مردم، مشابه است با وقایع دیگری که در سال اخیر چه در ایران و چه در سایر کشورهای دنیا مشاهده شده است. عدم احتراز از اشتباهات اصولی، نظیر بهره‌گیری از دستگاہهای دولتی موجود در قبل از استقرار جمهوری (دادگستری آمل)، و بعمل نیس آوردن اقدامات سریع در مسلح کردن توده‌ها (اگرچه عمر کوتاه جمهوری اشکال اساسی در این راه نبوده است) از عواملی بوده است که با همه ارزشمندی این تجربه خلق، سبب ناگامی آن شده است. با امید احتراز از اشتباهات در آینده و با امید استقرار جمهوری دمکراتیک خلق در پهنه میهن عزیزمان ایران، یاد شهدای آمل و تجربه گرانقدر "کمیته حفاظت ملی" آمل را گرامی میداریم.

اعلامیه‌یی از مبارزات مردم آمل، یادشده‌ای راه آزادی خلق را گرامی میداریم. بار دیگر، رژیم شاه جنایتکار دستش را به خون خلق قهرمان آلوده کرد و این بار در شهر ما. به گلوله بستن مردمی که با برپا کردن تظاهرات، صدای حق طلبانه و آزادخواهانه خویش را بلند کرده بودند صفحہی دیگر بر جنایات ننگین پنجاه ساله این دودمان افزود. رژیم منفور پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و برانداختن حکومت ملی دکتر مصدق به کمک جاسوسان آمریکایی سیا، آتی از سرکوب و کشتار مردم فروگذار نگرده است. کشتار خود

سخنرانی ... رسانم، برادر ورزش هم جدی دارد خود را خسته نکن. نمیدانم بیماری پوستی عباس عابدی پس از ۲ سال خوب شده یا نه. مواظب بیماری آسم حسن گلشانی باشید. حسن جان بجای مسن ۸ عدد خرما بخور. به عباس ضیاء بیری سلام می‌رسانم امیدوارم اعصابش بهتر شده باشد و کمتر عصبانی بشود. به آقای محمد علی معتدل سلام میرسانم و خیلی بیاد آوازه‌های گیلک‌هاش هستم. به عبدالله مهزی سلام میرسانم، نمیدانم چیز تازه‌ای درست کرده یا نه؟ بنا بود از زباله‌ها و پیتامین بسازد. نمیدانم کمر درد عبد الرحیم صبوری خوب شده یا نه، نگرانم. به یحیی رحیمی مرد مبارز و مایه افتخار هم - شهربانم سلام میرسانم. از حمید درخشنده احوالش را بپرسید و بگوئید که نگران پای مجروحش هستم. میدانم که الان مشغول خواندن روزنامه هستید. حتما جای حاضر است و من از همینجا میگویم شام نخورده نباشد. اگر

سخنرانی ... چیز علاوه‌ای پیدا کردید بجای من بخورید که در بیرون، زندگی آنقدر گران است که از علاوه خوری خبری نیست تازه سهم معمولی هم بدست نمی‌آید. با امید روزیکه خودم برایتان دستمه گل بیاورم و گل بارانتان بکنم. آرزو نه - باری تسوده‌ها بسزوی فرا خواهد رسید. به آقای علی خاوری فرزند تسوده‌ها سلام برسانید و احوالپرسی کنید، امیدوارم حالش بهتر شده باشد. به اصغر بینیان بگوئید آنقدر لخت نگردد که سرما میخورد زمستان دارد می‌آید. به حمید حسینی سلام برسانید بگوئید میدانم که شما چند جلد کتاب خوانده‌اید و به ۱۵ سال محکوم شده‌اید. در خاتم من بهمه رقبا و برادران و خواهرانم اگر در ملاقاتشان را دیدید سلام میرسانم. مطمئنم که جز با آزادی شما فرزندان لایق خلق، کشورمان نمیتواند عقب ماندگیها و لطمه‌هایی را که از دست افراد ناباب و نا پاک خورده جبران نماید. با امید دیدار، پیروز باشید.



مردم شادمانی خود را از آزادی یکی از فرزندان مبارز و زندانی خود، نشان میدهند.

به حیات خویش ادامه دهد. این مبارزات بار دیگر به مردم ما نشان داد که تنها راه سرنگونی این رژیم سرسپرده، جنگ مسلحانه توده‌یی است و بهیچ وجه آنطور که رهبران خائن حزب شده و نیز جبهه ملی سایر گدایان قانون اساسی موعظه میکنند نمیتوان به شکلی سالمت‌آمیز به حیات این حکومت ترور و وحشت پایان داد. در اینجا وظیفه روشنفکران انقلابی است که ضمن برقراری پیوند استوار و فشرده با توده‌های خلق و بخصوص کارگران، به طرق مختلف دست به افشای تمام دسایس و حیل‌های رژیم شاه و بخصوص خطت وابستگی آن بزنند و آنها را بدین امر واقف سازند که تنها در جمهوری انقلابی و دمکراتیک خلق است که میتوانند به خواسته‌های خود جامعه عمل بپوشانند و آن نیز بدست نمی‌آید مگر با مبارزه مسلحانه توده‌های ملیونتی خلق تحت رهبری طبقه کارگر.

درد بر شهدای راه آزادی خلق ناسنود باد رژیم شاه - سگ زنجیری امپریالیسم آمریکایی برقرار باد جمهوری انقلابی و دمکراتیک خلق

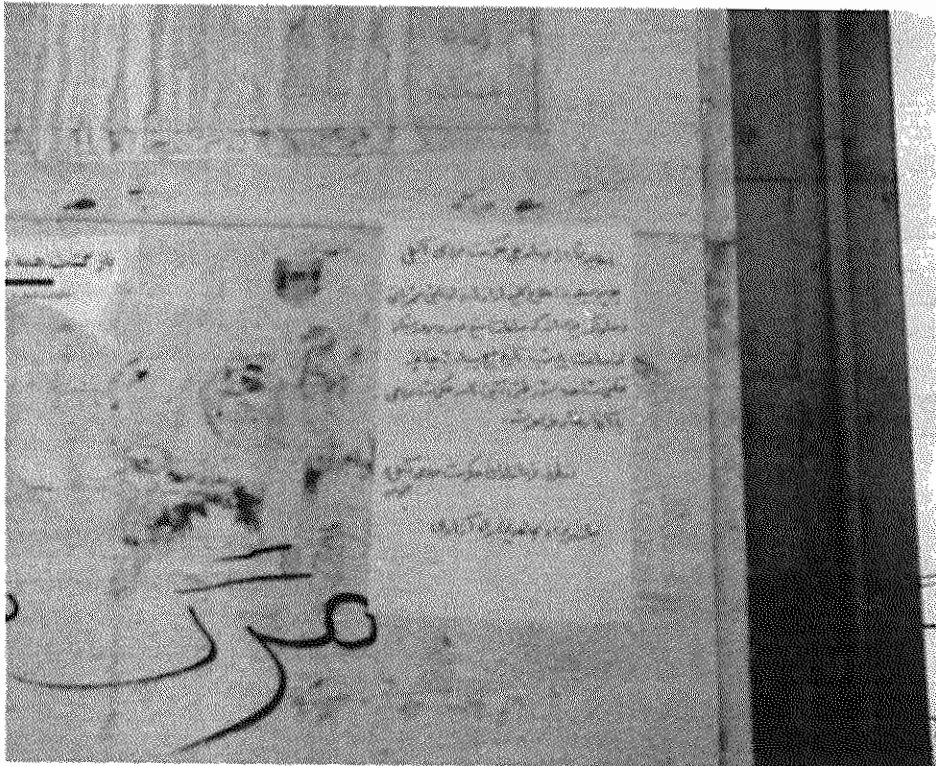
نین ۱۵ خرداد ۳۲ که به شهادت بیش از ۱۵ هزار تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم انجامید هنوز در خاطره‌ها زنده است. در یکساله اخیر ما بار دیگر شاهد خروش خشم‌آلود توده‌های عظیم خلق که از بیدارگریهای دودمان ننگین پهلوی بجان آمده بودند، بودیم. این جنبش‌ها از مبارزات قهرآمیز مردم خارج از محدوده درتهر - ان و چند شهر دیگر در شهریورماه گذشته شروع شده و در ادامه و رشد خود به قیام‌های قهرمانانه و حماسه آفرینی در قم، تبریز، یزد، و... مبدل شد که در روز شنبه شاهد تبلور این خشم و کین مردم ستم‌دیده در آمل بوده‌ایم. این اعتراضات قهرآمیز خلقهای تحت ستم ایران، بیهای رژیم خائن و سرسپرده به امپریالیست‌های شاه خائن را بلرزده در آورده است. شاه خائن که دیگر تمام خربه‌های عوام فریبانه برای فریب و تحمیل مردم را بی نتیجه دیده‌آخرین خربه دست زد و با برقراری حکومت نظامی در اکثر شهرهای ایران، با رزترین شکل حاکمیت زور و سرنیزه را به نمایش در آورد که مادر این چند روزه شاهد آن بوده‌ایم و واقعا هم چنین رژیم که هیچ پایه‌یی در میان زحمتکشان میهن ما نداشته و ندارد، به غیر از این نمیتواند

گزارشی از مبارزات دلیرانه مردم قهرمان آمل

شهر قبل از استقرار جمهوری

همزمان با اعتصاب عمومی فرهنگیان ایران در هفته دوم مهرماه، فرهنگیان آمل نیز طی نشستی همبستگی و همراهی بدون قیمه و شرط خود را با مبارزات آزادیخواهان و استقلال طلبانه ملت ایران اعلام داشته و تساهل و سرآوردن خواسته‌های خود شامل لغو حکومت نظامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال ساواک و غیره، به مدت نامحدود اعلام اعتصاب نمودند. بدنبال اعلام خواسته‌های فرهنگیان در روز شنبه ۱۵ مهرماه دانش‌آموزان دبیرستان محمد طبری این شهر در محوطه جلوی دبیرستان تجمع نموده و با دادن شعارهایی نظیر "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "درد بر خمینی"، "آزادی زندانی سیاسی" و "مرگ بر شاه" بطرف دبیرستان پهلوی حرکت کردند. در مقابل دبیرستان پهلوی دانش‌آموزان این دبیرستان نیز به جمع راهپیمایان پیوسته و ضمن دادن شعارهایی بطرف دبیرستان دخترانه ملک زاده حرکت نمودند. ابتدا چند نفر از مسئولین محتاط این دبیرستان از پیوستن دانش‌آموزان دختر به جمع برادرانشان ممانعت کردند ولی با مخالفت شدید دانش‌آموزان دختر این دبیرستان روبرو شده و ناکزیر به عقب‌نشینی کرده و نظاره‌گر تجلی پرشور همبستگی دختران و پسران مبارز شدند. ادامه راهپیمایی دانش‌آموزان در بازار شهر و دادن شعارهای "مسلمان بباخیز برادرت کشته شد"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "درد بر خمینی مبارز" و غیره، بستن مغازه‌های شهر و همراهی بازاریان شهر را بهمراه داشت. همبستگی غرور آفرین دانش‌آموزان و بازاریان آمل با پیوستن فرهنگیان و روحانیون، بزرگترین راهپیمایی و تظاهرات سیاسی را در تاریخ این شهر تا آنروز بوجود آورد. بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم این شهر کوچک فریاد میزدند "پنج‌شنبه سال سلطنت، پنج‌شنبه سال جنایت". مقارن ظهر ماوریسین شهریاری آمل که در تدارک سرکوب بودند عده‌ای از حاشیه نشینان غیر بومی (بربریها و کولیها) را با چوب و چماق مجهز کرده و با کمک آنها به تظاهرات کنندگان و راهپیمایان حمله ور می‌شوند. زود خورد بین مردم آمل و مزدوران ماوریسین رژیم فاشیستی پهلوی مذبذبه بطول می‌انجامد در این مدت دو اتومبیل پلیس و چند شنبه بانک و از جمله شعبه مرکزی بانک ملی،

دو مغازه مشروب‌فروشی، سینما درفش، دفتر سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران به آتش کشیده میشود. جنگ و گریز همراه با تیراندازی ماوریسین شهربانی شروع میشود و مردم برای فرار از تیررس ماوریسین به کوچه‌ها و خانه‌های اطراف پناه می‌گیرند. در همین حال خانم فروغ راغی، زن خانه‌داری که به چند نفر پناه داده بود برای اطلاع یافتن از وضعیت کوچه از خانه بیرون می‌آید که مورد اصابت گلوله یک مأمور شهربانی قرار می‌گیرد و شهید میشود. شهادت این زن مبارز خشم مردم را صد چندان می‌کند. مردم با شعار "مرگ بر شاه" و "نابود باد سلطنت پهلوی" خانم راغی و چند نفر دیگر از زخمی شدگان را به بیمارستان شیروخورشید، در نزدیکی منزل خانم راغی منتقل میکنند. با فرا رسیدن شب مردمی زخم خورده و مصمم بخانه‌هایشان می‌روند تا تدارک فردا را ببینند. پلیس به تدارک سرکوبی بیشتر می‌پردازد، لطف‌اله معتمد، سروان شهربانی که بعطت جنایت‌هایش در سرکوبی مبارزین در دو سال اخیر مورد تنفر شدید اهالی است، با بسیج و مسلح کردن چند نفر از دزدان حرفه‌ای از بین افراد حاشیه نشین (بربریها) صبح روز یکشنبه ۱۶ مهرماه بنا تیراندازی بسوی مردم، تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی مردم را بخون میکشد و کارگر جوانی بنام علی عظیمی بسوی یکی از همین اوباشان بقتل میرسد و تعدادی از تظاهرات کنندگان، در حدود ۲۵ نفر، در اثر تیراندازیهای دیگر سر ماوریسین و مزدوران زخمی میشوند. چند علی عظیمی بر روی دست مردم بیخشم آمده در خیابان‌های شهر گردانده میشود. در حالیکه جمعیت با شعار "می‌کشم می‌کشم آنکه برادرم کشت" به تظاهرات در خیابانهای شهر ادامه میدهند چند نقطه از اماکن فساد و مراکز استثمار نظیر باشگاه تفریحات سالم، سازمان زنان، اطاق اصناف و سینما آرش مورد حمله قرار گرفته و به آتش کشیده میشود. در بعد از ظهر همین روز جنازه علی عظیمی در میان آندوه و خشم مردم در قبرستان امامزاده ابراهیم بخاک سپرده می‌شود. ستونهای ارتش مجهز به تانک و نفر بر وارد شهر شده و در نقاط مختلف شهر مستقر می‌شود. در روز سوم تظاهرات مردم (دوشنبه ۱۷ مهرماه) ابتدا مردم برای عبادت زخمیها به محل بیمارستان شیروخورشید (بیمارستان ۲۵ شهریور)



دست‌پز توان و مطمئن مردم قرار گیرد. جوانان شهر با نظرات ایدئولوژیک مختلف ولی خواست مشترک مبارزه با رژیم متفقین پهلوی و حامیان امپریالیستش و برای نگرانی از شهر و مردم داوطلب میشوند که تحت رهبری کمیته‌ای بنام "کمیته حفاظت ملی" به انجام وظایف ملی بپردازند. این کمیته که در بین مردم بسه جمهوری آمل معروف شده است، در فاصله ۲ روز موفق میشود که امور انتظامات، نظافت، بهداشت و امداد شهر را در دست گیرد. با جلب همکاری و اعلام آمادگی پزشکان شهر با جمهوری امور درمانی شهر در اختیار کمیته قرار می‌گیرد. مقررات عبور و مرور در شب برای کنترل عملیات ماوریسین شهربانی و ساواک وضع میشود، از جمله اینکه ماوریسین شهربانی و ساواک حق عبور و مرور در شهر را از ساعت ۸ شب تا ۸ صبح نخواهند داشت. در این مورد اعلامیه‌ای تحت عنوان "اعلامیه شماره ۱ حکومت مردمی آمل" منتشر شده و در آن چنین نوشته شده بود: "چنانچه از ساعت ۸ شب تا ۸ صبح، ارادل و اوباش ساواک و شهربانی و ارتش در شهر دیده شوند، به همان صورت با آنها رفتار خواهد شد که ساواک با ملت رفتار میکرد". پستهای مراقبت و امداد در نقاط حیاس شهر با کمک داوطلبان مردم بصورت در اختیار قرار می‌گیرد. تعداد زیادی اتومبیل و تجهیزات بر پا میشود. برای عبور و مرور وسایل نقلیه در شهر بهنگام شب برای هر شب رمز جداگانه‌ای شامل "مرگ بر شاه"، "درد بر خمینی"، "۱۷ شهریور" و همچنین نام شهدای خلق و روزهای تاریخی ملت در اختیار رانندگان وسایل نقلیه قرار داده میشود.

از اتفاقات و اقدامات مراقبتی جمهوری باید دستگیری و محاکمه ۴ مأمور ساواک را نام برد. در یکی از شبهای هفته اول برقراری جمهوری آمل ۴ نفر با اتومبیل بی.ا.م.و. وارد شهر میشوند. رمز شبیه آنها گفته میشود و به محلی که این ۴ نفر قصد رفتن به آنجا (یکی از محلات شهر) را داشتند راهنمایی میشوند. سه ساعت بعداً فردا گشتی جمهوری منهد می‌کنند که همان ۴ نفر سوار بر همان اتومبیل در شهر در حرکتند فرمان ایست داده میشود، اطاعت نمیکنند. تعقیب اتومبیل افراد مشکوک توسط گشتی‌های جمهوری که از اتومبیلهای بیگان استفاده می‌کردند شروع میشود. در جریان آن تیراندازیها - طی صورت‌گیری ویرانجام حدود ساعت ۴ صبح اتومبیل با ۴ نفر نشین به محاصره افراد گشتی "کمیته حفاظت ملی" در می‌آید و لحظاتی بعد بقیه در صفحه ۵

میروند. ماوریسین انتظامی از تشکیل اجتماعات بشدت جلوگیری میکنند و به مراقبت بیش از پیش از فرمانداری، شهربانی، مجسمه شاه و همچنین هتل هراز (متعلق به بنیاد پهلوی)، که برای استراحت افسران و درجه‌داران ارتش اختصاص داده شده است می‌پردازند. در تظاهرات پسران کنده‌ای که صورت می‌گیرد در جلوی بیمارستان شیروخورشید حسین خانپور دانشجو، بخراب گلوله باستانی بنام نواژی کشته میشود. همچنین ساختمان دادگستری آمل بگلوله بسته میشود. برقراری حکومت نظامی اعلام شده در آمل موفق نمیشود که موج اعتراضات و تظاهرات مردم را فرو نشاند. در روز سوم شهادت آمل، مجلس ترجیمی بدون توجه به مخالفت و ممانعت ساواک و شهربانی در مسجد سیزه میدان آمل بدعوت روحانیون مبارز برگزار میشود که کلیه اقشار و طبقات مردم آمل، از دانش‌آموز و فرهنگیان گرفته تا بازاری و کارمندان دادگستری و قضات و پزشکان شهر در آن شرکت میکنند. در جریان این مجلس اعلامیه‌های متعددی از طرف سازمانها و گروهها و افراد مبارز و ملی (آیت‌الله خمینی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران، "حقیقت" ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران، سرخه روجا گروه محلی هوا-دار مبارزه مسلحانه و غیره) پخش میشود.

در روزهای ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ مراسم هفت‌سه شهید آمل بدنبال راهپیمائیه و تظاهرات پر-شکوه مردم آمل در محل کورستان شهر برگزار میشود. در این روزها جمعیت شرکت کنندگان هر روز به قریب ۲۵ هزار نفر میرسد و این رقم برای شهری که جمعیت آن از ۴۰ هزار نفر تجاوز نمیکند کاملاً بیسابقه است. نکته قابل توجه شرکت چند هزار نفری زنان مبارز این شهر می‌باشد.

استقرار جمهوری آمل

گروههای مختلف مبارز که در جریان ۹ روز (۱۵ الی ۲۳ مهر) مبارزه برتلاش مردم وارز-یابی از امکانات و همبستگی بین مردم برای تحقق آزادی و استقلال تجربیاتی اندوخته بودند با وحدت عمل خویش در هفته اول آبان در جریان اعتصابات عمومی شهر برای اعتراض به جنایات رژیم شاه در مسجد جامع کرمان، تظاهرات پسر-شکوهی را برگزار میکنند. در جریان این تظاهرات بمنظور مقابله با حملات احتمالی مزدوران رژیم و برای جلوگیری از به آتش کشیدن جان و مال مردم که نمونه‌های چندی از آن در کرمان و کرمانشاه و سنج و غیره دیده شد تصمیم گرفته میشود که اداره امور شهر در



استقرار جمهوری دمکراتیک خلق یگانه ضامن آزادی و استقلال ایران است!

پنج روز پرافتخار در مبارزات مردم میهن ما (۱۵-۱۰ آبان)



عبارت زیر دهن بدین مردم بخش میشود روزی
برجوش و خروش ، تا آغاز روزی دیگر ، در جلوی
دانشگاه پایان میگردد :

"مرگ بر شاه - فردا ۹ صبح دانشگاه"

جمعه ۱۲ آبان از ورود دانشجویان بسه
دانشگاه تا ساعت ۱۱ صبح جلوگیری بعمل میآید .
در این ساعت جمعیت از درها و نرده های قسمت -
های شمالی وارد دانشگاه میشوند . هر لحظه بر
تعداد جمعیت داخل دانشگاه افزوده میشود . دا -
نشجویان خود موفق میشوند که در ورودی جنوبی
را از داخل باز کنند . هجوم جمعیت در فاصله
اندکی تعداد آنها را به بیش از ۱۰ هزار نفر
میرساند . تجمع در محوطه زمین فوتبال شکلی -
گیرد . راهپیمایی در خیابانهای داخل محوطه
دانشگاه آغاز میشود . شعارهای جمعیت در این
روز عمدتاً عبارتند از " تا شاه کفن نشود ، این
وطن وطن نشود " آزادی زندانی سیاسی " ، " شاه
به آتش کشید - مسجد کزمان را ، کتاب قرآن را ،
خلق مسلمان را " ، " اتحاد - مبارزه - پیروزی " ،
" شاه بگ زنجیری آمریکا " و غیره . تظاهرات پرا -
کنده و زودخورد و جنگ و گریز و دستگیری در
خیابانهای اطراف دانشگاه از ساعات اولیه روز
که گروههای جمعیت بطرف دانشگاه با دادن شعار
روانه بودند ، آغاز شده بود . انبوهی از جمعیت
که از چهارراه امیراکرم بطرف دانشگاه درحر -
کت بودند و پوستریایی از شاه را که به عنوان
شخص تحت تعقیب و متهم به جنایت و شکنجه
میهن پرستان و دزدی بیت المال است بین مردم
پخش میکردند ، مورد حمله ما موران قرار می -
گیرند . در خیابان ابوریحان ، یک ما موران واک
شناسایی شده و بسختی مورد غرب مردم واقع
میشود که با سر رسیدن یک کامیون از افسراد
پلیس نجات می یابد . ایجاد راه بندان وسیله
تظا هر کنندگان همچنان تا آخرین ساعات روز
ادامه می یابد .

تظاهرات در داخل دانشگاه شکل منظمتری
دارد . جمعیت تظا هر کننده در محوطه داخلی دانش -
گاه پشت در جنوبی و در پشت نرده های جنوبی
دانشگاه ازدحام کرده خواستار خروج ما مورین
انتظامی از خیابان شاهرا و رفع ممانعت عبور
دانشجویان بطرف منزل آیت الله طالقانی هستند .
سربازان استقرار یافته در خیابان شاهرا عملاً
اقدامی نمیکند و به خطابه ها و سخنان دانش -
جویان که از روی نوشته و یا بدون نوشته ایراد
میشود گوش میدهند . سرباز یا درجه داری که
دقیقاً قابل تشخیص نبود ، در جواب به خطابه
دانشجویی که میگوید " برادر سرباز ، آیت الله
خمینی بتو سلام فرستاد . . . " میگوید " سلام ما
را هم بایشان برسانید " . عکس العمل ما مورین
رژیم هماهنگ و یکدست نیست . عده ای نداشت عمل
بخرج میدهند خصماً تحت تاثیر تحریکات عده ای
از افراد شهریانی که بین آنها در جست و خیز
هستند . برخی از این افراد که لباس شهریانی
بتن دارند اعضاء غیر نظامی ساواک در کمیته
بقیه در صفحه ۸

های اتومبیل که در وسط خیابان برای خنثی
کردن اثر گاز اشک آور میسوزد ، ریخته میشود .
برای جلوگیری از رفت و آمد خودروها و زره -
پوشهای ارتش راه بنده نهایی در انشعابات آنها -
تول فرانس ، وصال شیرازی و کاخ ایجاد میشود .
ساعت حدود ۶ بعد از ظهر است . در مقابل دانشگاه
تانکهای مستقر در حالیکه لوله های توپ را به
طرف دانشگاه گرفته اند ، همراه با انبوه کا -
میونهای مملو از سرباز و ریه ها و جیب های
حامل پلیس و ارتشی و عوامل ساواک در لباس
نظامی بچشم میخورند . دانشجویان خواستار کنار
رفتن ما مورین و ادامه راهپیمایی خود بطرف
منزل آیت الله طالقانی هستند . در این اثنا
رئیس دانشگاه از میان جمعیت داخل دانشگاه
بهبرون میآید و بطرف فرمانده ستون قسوا ی
انتظامی مستقر در مقابل دانشگاه میزود و از
او میخواهد که مانع حرکت دانشجویان نشود .
ما موران ، دانشجویان از دانشگاه خارج شده در
سطح خیابان شاهرا پخش میشوند . عده ای بطرف
شرق براه می افتند و عده ای دیگر ما مورین و
سربازانی که بحالت دست فنگ ایستاده اند را
احاطه میکنند . دانشجویی بروی چرخهای یکی از
تانکها می رود و شروع به ایراد خطابه میکند .
خبرنگاران خارجی بدور رئیس دانشگاه و افسر
ارتشی فرمانده حلقه زده و آنها را سوال پیچ
میکند . بحث و گفتگو بین سربازان و دانش -
جویان از صحنه های دیگریست که جلب توجه می -
کند . گروهی از جمعیت که لحظاتی قبل بسوی
شرق بحرکت درآمده بودند ، هنگامیکه به چهار
راه شاهرا و آنا تول فرانس میرسند ، توسط
ما مورین رژیم متوقف میشوند . فریاد " مرگ بر
شاه " و " درود بر خمینی " در بین جمعیت بیرون
و درون دانشگاه ادامه دارد . رئیس دانشگاه
بدون نتیجه گیری از صحبت با افسر ارتشی ، در
حالیکه بدلیل حمایت از خواست دانشجویان بر -
ای رفتن به منزل آیت الله طالقانی ، بر روی
دوش دانشجویان قرار دارد ، بدانشگاه بر می -
گردد .

افسر فرمانده ارتشی دستور دور کردن
دانشجویان از اطراف خودروهای ارتشی را میدهد
و بلافاصله اعلام میکند که جمعیت داخل دانش -
گاه ۵ دقیقه فرصت دارند که از دانشگاه خارج
شده و با حرکت به طرف غرب متفرق شوند . با
این اخطار فریاد " مرگ بر شاه " بر طنین تر
از پیش از جمعیت بگوش میرسد . هوا رو سردی
و تاریکی می رود . جنگ و گریز در بیرون دانش -
گاه و در مقابل سینما دیانا و سینما پلازا
ادامه دارد . عده کثیری در خیابان وصال شیر -
ازی دست به تظاهرات میزنند . از مهلت پنج
دقیقه بی داده شده بیش از نیم ساعت میگذرد .
تیراندازی هوایی و شلیک کپسولهای گاز اشک
آور بطور پراکنده ادامه دارد . حدود ساعت
۸/۵ بر سر دو تصمیم تحم ثبانه در دانشگاه یا
موکول کردن ادامه راهپیمایی به فردا (جمعه)
نظرخواهی میشود . حدود ساعت ۹ شب در حالیکه

واقع در بیچ شمیران (خیابان شاهرا) حرکت
کرد . در طول راه بر انبوه جمعیت افزوده می -
گشت . در حوالی میدان ۲۴ اسفند ، جمعیت بالغ
بر ۵ هزار نفر میشد . در این محل بر تعداد
پلاکاردها نیز افزوده گشت و هنگامیکه جمعیت
به مقابل دانشگاه تهران رسید ظنین شمارها در
فضا پیچید . حرکت جمعیت بسیار سریع بود و
شعار " درود بر خمینی مبارز " بگوش میرسید .
در مقابل سینما دیانا ، هنگامیکه دنباله
جمعیت هنوز از برابر سینما رد نشده بود حمله
ما مورین با شلیک گاز اشک آور و تیراندازی
هوایی شروع شد . غریب " بگو مرگ بر شاه " از
جمعیت برخاست و در حالیکه افراد پلیس وارث
به حمله و دستگیری و تیراندازی مشغول بودند ،
جمعیت بطرف خیابانهای منشعب از شاهرا روان
شد و بصورت دسته های کوچک ، تظاهرات آنها
همراه با جنگ و گریز ادامه یافت . عده ای
نزدیک به ۵ هزار نفر موفق شدند که وارد دا -
نشگاه تهران شوند و در محوطه بین در ورودی
دانشگاه و مجسمه شاه خائن (که در قسمت
جنوبی زمین فوتبال دانشگاه واقع بود) دست
به تظاهرات بزنند .

در دانشگاه پلی تکنیک تهران و دانشکده
علم و صنعت ایران نیز نظیر تحم ثب ۲۴ ساعته
شرح داده شده در فوق برقرار بوده است .
جمعیت متحصن در دانشکده پلی تکنیک تهران که
در انتظار پیوستن به جمعیت متحصنین در دا -
نشگاه صنعتی برای رفتن به منزل آیت الله
طالقانی بودند پس از اطلاع از حمله ما موران
رژیم ، بسوی دانشگاه تهران حرکت می کنند .
این جمعیت از مسیر خیابان تخت جمشید و بزر -
گمهر خود را به جمعیت حاضر در دانشگاه تهران
میرسانند .

فعالیت ما موران رژیم در خیابان شاهرا -
ضا و خیابانهای اطراف بسیار شدید است و از
حرکت تظا هر کنندگان و راهپیمایان بسوی شرق
تهران (بسوی منزل آیت الله طالقانی) شد -
یدا جلوگیری میکنند و تلاش می نمایند که جمعیت
را بطرف غرب و جنوب هدایت کنند . در حمله او -
لیه چکمه پوشان به راهپیمایان ، تعداد زیادی
از زنان زخمی و دستگیر میشوند . شعار " بگلو -
مرگ بر شاه " ، " مرگ بر این حکومت فاشیستی " ،
" درود بر خمینی " لحظه ای قطع نمیشود .
شیشه های سینما دیانا خرد شده و عکسهای مبتذل
بردر این سینما که مربوط به یک فیلم مبتذل
غربی است ، پاشین کشیده شده و در آتش لاشتیک -

در صبح آخرین روز هفته همبستگی ملی (۶
الی ۱۰ آبان ۵۷) دانشجویان مبارز دانشگاه صنعتی
تهران راهپیمایی و تظاهرات پرشوری را در
محوطه دانشگاه برپا کردند . در این تظاهرات
که از ساعت ۹/۵ صبح آغاز شد و تا ساعت ۱۱
بطول انجامید نزدیک به ۲ هزار نفر از دانش -
جویان این دانشگاه و عده کثیری از دانش -
آموزان مدارس اطراف شرکت کردند . پس از
راهپیمایی طولانی در داخل دانشگاه ، تظا هر
کنندگان در محل زمین فوتبال این دانشگاه
اجتماع کردند . شمارهایی که دانشجویان حمل
میگردند و یا در فضای دانشگاه شنیده میشد
عبارت بودند از " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " ،
" برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق " ، " بر -
قرار باد حکومت زحمتکشان " ، " تنها ره رها ئی
جنگ مسلحانه توده ای است " و غیره . در این
اجتماع همچنین قسمت اول کتاب " تبلیغ مسلحانه "
مربوط به مبارزات مردم و بستنام قرائت شد . از
طرف دیگر ساعت ۱۰ صبح ، بنا بر اعلان قبلی ،
تظاهرات و تحم ن و اعتصاب غذای دانشجویان
مسلمان در محل سالن ورزش دانشگاه آغاز شد .
این تحم ن که با شرکت هزاران نفر از دانش -
جویان دانشگاههای منطقه تهران و گروههای
دیگر مردم شروع شد ، به مدت ۲۴ ساعت یعنی
تا ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۱۱ آبان ادامه
داشت . در طول مدت این تحم ن دانشگاه عکس
مربوط به زلزله طیبی دائر بود و فیلم و اسلاید
جمعه خونین تهران نمایش داده میشد . همچنین
در ساعات شبیه ما در مجاهدین قهرمان آلابوشها
و مجتهد مباحثه آیت الله طالقانی زمین
بیاناتی از جنایات هیئت حاکمه ایران بسرگردد
خاندان کثیف و وطن فروش پهلوی و همچنین از
مبارزات دلاورانه مردم ایران یاد کردند .
جمعیت بست نشین در سالن ، آنگاه جمعا سرود
مجاهد را خواندند . موسوی گرمارودی ، شاعر
مبارز ، شعری در تجلیل از دو مجاهد قهرمان
خواند .

در پایان تحم ن و اعتصاب غذای ۲۴ ساعته
در دانشگاه صنعتی ، اعلام شد که پس از نماز
جماعت ظهر ، جمعیت شرکت کننده برای تجلیل و
ادای احترام به مجاهد بزرگ ، آیت الله طا -
لقانی ، بطرف منزل ایشان حرکت خواهد کرد . تا
ساعت ۳ بعد از ظهر پنجشنبه ، تعداد افراد برای
شروع راهپیمایی به ۳۰ هزار نفر رسید . جمعیت
با حمل عکسهای از آیت الله خمینی ، از محل
دانشگاه صنعتی بطرف منزل آیت الله طالقانی



دشمن زحمتکشان ، نوکر غارتگران ، این شاه آمریکایی ، اعدام باید گردد

اعضای میهای از ایران

مهر ۱۳۵۷

سخنی با زحمتگشان، دانشجویان، دانش‌آموزان، فرهنگیان و کارمندان مبارز

بار دیگر جنبش کارگران و زحمتگشان ایران بر تارک مبارزات چند سال اخیر وطنم ایران درخسیدن گرفته است. در مدتی کمتر از یکماه و در شرایطی رو در رو با سرنیزه‌های حکومت نظامی شاه و دولتش، بیش از نیم میلیون از کارگران کارخانجات و کارگاه‌های دولتی و خصوصی در سراسر ایران دست به اعتصاب و تظاهرات طلبانه زدند و فعالانه در مبارزات توده‌ها شرکت نمودند و با نثار خون خود در خیابانها و نیز کارخانه‌های چون ماشین سازی تبریز، شرکت نفت آبادان و قسمتی از کارگاهها و کارخانجات شهرک صنعتی البرز نزدیک قزوین پیوند محکم و ناسازگستنی خود را با تمامی خلق ایران در راه سرنگونی رژیم مزدورپهلوی و جایگزینی آن با حکومتی مردمی و عاری از ستم طبقات استثمارگر، اعلام نمودند.

جنبش‌های مصلحین و دانش‌آموزان و بطور کلی فرهنگیان و دیگر کارمندان سراسر کشور بطور متحد و یکپارچه آنهم در زمانیکه شاه و دولت پوتالیسیستی زیادی میکرد تا در پناه تمام نیرنگها و قول و قرارهای قلابی سرپوشی بر روی آتش انقلاب و انتقام تمامی مردم ایران بگذارد، جنبش‌های اخیر شکوفه‌ای شد در تاریخ مبارزات خلق محروم و ستمدیده ایران. مصلحین و فرهنگیان که با اقرار صریح ایادی دولت از مجموع هزینه‌های به اصطلاح رفاهی دولت، کلا در سال گذشته ۴ درصد شامل حالشان شده است (رکبه رستاخیز ۲۷ فروردین ۵۷) و تازه این بالاترین درصد رفاهی در عرض ۱۱ سال اخیر بوده است؟! که شامل کلیه کارمندان وزارتخانه‌های میشود که شرایط زندگی فرد فرد آنان گویای واقعی اوضاع دردناک این انسانهای شریف و درد آشنا میباشد. خلق ایران فراموش نمیکند که چه بسیار از فرزندان رزمنده و انقلابی خود را، چون صمد بهرنگی‌ها، رقیبه دانشگری‌ها، و اشرف دهقانی‌ها را از میان همین آموزگاران و فرهنگیان شریف و محروم بکسود دیده است.

مصلحین ما از دیر زمان با شرکت خلق و فعال خود در کلیه مبارزات توده‌ها رسالت خود را در پیوند با خلق مبارز بنحو احسن انجام داده‌اند. در وقایع زمستان ۱۳۴۸ که در طی آن اعتراضی خصمانه و قهرآمیز به گران شدن بلیط اتوبوس شد، دانش‌آموزان سهم بزرگی را در این مبارزه بدون گرفتند و تا کنون از میان خود دلیران حماسه آفرینی چون مهدی رفیعی (گل سرخ جنبش نوین انقلابی وطنمان) که در سن نوزده سالگی بدست مزدوران ساواکی در زیر شکنجه بشهادت رسید، و چون بهرام شایگان نام آسبی که در سن ۱۱ سالگی در درگیری مسلحانه جان خود را در راه آرمانهای انقلابی گذاشت تحویل داده‌اند، و امروزه نیز مصلحین ما قهرمانانه در راه سرنگونی رژیم مفسور پهلوی مبارزه میکنند و تا کنون شهدای بسیاری را در مبارزات اخیر مورد محاسن کرده‌اند و بسیاری از این شیران جوان از دختر و پسر هم‌اکنون در زندانهای شاه به زنجیر کشیده شده‌اند.

جنبش دانشجویی ایران نیز به نوبه خود سالهاست که در خلفانی‌ترین شرایط و نیرزدوزیر شیخ جلادان محمد رضاشاه دلاورانه مبارزه نموده و در چند سال اخیر جای واقعی خود را در خارج از حصارها و دیوارهای دانشگاهها در میان انبوه کارگران و زحمتگشان پیدا نموده است و امروزه نیز سگری مبارزاتی و انقلابی نمیدانند بافت که از وجود انقلابیون جنبش نوین دانشجویی خالی نباشد. امروز غریب زحمتگشان و دانشجویان در بسیاری از اعتصابات و تظاهرات با ایمانی خلل ناپذیر بگوش میرسد که "کارگر، دهقان، دانشجو پیروز است" و این روشنی مبارز و این دستاوردها، نمره مبارزات است که رفقای هم رزم ما با نثار جان خود و تلاش شبانه روزیشان در سراسر کشور برای جنبش نوین دانشجویان و روشنفکران به ارمغان آورده‌اند زیرا که امروز بر همه انقلابیون روشن شده است که تنها راه رسانیدن انقلاب به آخر تنها و تنها اتحاد و همبستگی میان روشنفکران انقلابی و زحمتگشان وطنمان است و بس.

در این مرحله از مبارزه بر هر فرد رزمنده و انقلابی و نیز کلیه فرهنگیان، دانشسازان، دانشجوین و کارمندان واجب است که :

اولاً - تا حد امکان تمام نیرو و امکانات خود را در اختیار جنبش گذاشته و با شرکت در مبارزات، **بهر نحو ممکن**، مبارزه کنونی را تا حد انقلاب مسلحانه توده‌ای بر علیه شاه و حامیانش ارتقاء دهد که قدم اول آن فلج کردن کامل رژیم از طریق برقرار کردن اعتصابات در کلیه ارگان اداری و صنعتی است و شرط اساسی آن ادامه اعتصاب تا برآورده شدن خواسته‌های اساسی زیر سبب باشد.

ثانیاً - هرگونه اجتماع و اعتصاب را از محدوده تنگ‌خواسته‌های صنفی و شغلی مطلق خارج نموده و خواسته‌های اساسی این مرحله از جنبشمان را مطرح سازند که عبارتند از :

- ۱ - لغو هرچه سریعتر حکومت نظامی در شهرهای اعلام شده و لغو حکومت‌های شبه‌نظامی در سایر شهرها
 - ۲ - آزادی **فوری** کلیه زندانیان سیاسی
 - ۳ - بازگرداندن کلیه تبعید شدگان سیاسی بدون هیچ قید و شرطی
- این خواسته‌ها ابتدائی ترین و جزئی ترین مطالباتی است که در راه کلیه خواسته‌های اعتصابیون بایستی گنجانیده شوند، زیرا که فقط در پناه بر آورده شدن چنین خواسته‌های حیاتی است که میتوان به تقاضاهای صنفی - اقتصادی خود نیز رسید.
- سرنگون بباد رژیم مفسور پهلوسی
پیوسته‌تر یاد همبستگی روشنفکران انقلابی با زحمتگشان در راه استقرار جمهوری خلقی
کارگر، دهقان، دانشجو پیروز است

مجموعه شاه حمله‌ور میشوند. حرف مردم اینست : دانشگاه نباید از وجود این سبیل استبداد و وطن فروشی پاک شود. تا ساعت ۶ بعد از ظهر تلاش مردم با استفاده از سیم بکمل و مینی بوس و کامیون برای پائین کشیدن مجسمه بجائی نمی‌رسد. در این موقع جمعیت برای ورود جرتقیسل عظیمی به محل مجسمه، راه باز میکنند، در حدود ساعت ۶/۵ بعد از ظهر، در پایان یک روز تاریخی از روزهای انقلاب مردم ایران مجسمه شاه کشید به پائین کشیده میشود. پس از آن مردم بصورت ساعت مجسمه را در خیابانها کشیدند و در

بقیه در صفحه ۳

هنگام مردم ایران در ساعت ۸/۵ زمان پخش خبر از شبکه سراسری برای اولین بار در تاریخ و سایل ارتباط جمعی در ۲۵ سال اخیر، صحنه‌های کشتار محمد رضا شاه را بر روی صفحه تلویزیون میبینند. درد و اندوه سافران و پدران شهدای دانشگاه تهران در لحظاتی واحد، درد و اندوه میلیونها پدر و مادرو خواهر و برادر در وسعت ایران میشود. کارگنان بخش خبر رادیو تلویزیونی که به دنبال یک اعتصاب چندروزه موفق شده بودند بر سانسور حاکم بر این وسائل ارتباط جمعی غالب شوند، آتش‌آبادی دین میکنند. آنها چهره گریه و خونخوار رژیم وطن فروش پهلوی را به ایران نشان میدهند.

یکشنبه ۱۲ آبان روز دیگری بود. صبح تهران در این روز از روزهای دیگر زودتر شروع میشود. همه در تدارک حرکتند. مقصد؟ دانشگاه تهران، این سنگر غرقه در خون فرزندان خلق، پرورنده روزبه‌ها، پاک‌نواها، بدیع‌زادگانها، و حمید اشرفها. از نقاط مختلف شهر حرکت مردم با دسته‌های گل و پلاکاردهایی که بیان‌کننده همبستگیان با مبارزات انقلابی دانشجویان است به سمت دانشگاه تهران آغاز میشود. رژیم مفسور، وحشتزده از خشم مردم توان ممانعت را ندارد. مقارن ساعت ۱۱ صبح محوطه دانشگاه تهران از گروههای مختلف مردم لبریز میشود. کارگران، دانشجویان، بازاریان، روحانیون، کارمندان، دانش‌آموزان، فرهنگیان در پیوندی مقدس برای پایان دادن به سلطه استبداد پهلوی و استیلا امیرالیسیم و گسستن زنجیرهای اسارت، در دانش

گاه تهران گردهم می‌آیند. مقارن ساعت ۱۲ ظهر شایعاتی در شهر شنیده میشود: "پادگانهای جی و فرج آبدان شورش کردند"، "شاه فرار کرده است"، "اویسی کشته شد"، "شرف‌آمایی استعفا کرده است". دیری نمیپایید که افسری میهنپرست

از پشت سرفرور دانشگاه تهران بیای می‌دشت بر همبستگی افراد شورش در پادگانهای ارتش با مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه ملت ایران را قرائت میکند. خبر میرسد که در خیابانهای سلسبیل و آذربایجان حدود ۳۰ نفر از سربازان اسلحه بر دست و با سردوشیهای کهنه شده و با شعار مرگ بر شاه در حرکتند. همزمان در مقابل دانشگاه تهران دو سرباز با کندن سردوشیها به جمع ملت در دانشگاه میپیوندند. وحشت از انتقام خلق، سایر ماموران انتظامی مستقر در خیابانها را بگر و امیدارد. حدود ساعت ۲ بعد از ظهر حضور ماموران انتظامی با طرف مجسمه‌ها و مراکز امنیتی نظیر ادارات شهریاری، ساواک و زندانها محدود میشود تهران در تمخیر مردم است. مراکز ارتجاع و توسعه و تبلیغ فرهنگ استعماری درهم گوبیده شده و آتش کشیده می‌شود. کارمندان دولت عکسهای شاه و زنتش را به خیابانها میریزند. فریاد "به همت توده‌ها شاه فراری شده"، "اویسی سقط شد" در همه شهر طنین می‌آفکند. شعار "درد بر خمینی"، "ولیعهد سلطنت محاله، سگ زرد برادر شقانه" و "درد بر بزرگ - رهبری کارگر - نجات نوع بشر" بگوش میرسد. مراکز بهره‌کشی، نظیر بانکها از خشم توده‌ها مصون نمیماند. وزارت اطلاعات و جهان‌گردی، این تشکیلات علنی ساواک به آتش کشیده میشود. عاملی تهرانی وزیر نشاندار آن بخانه ای در نزدیکی وزارتخانه پناه میبرد که در مواجهه با مشت و لگد صاحبخانه از آنجا می‌گریزد.

در ساعت ۵ بعد از ظهر سقوط دولت آشتی ملی شریف‌آمایی در دریای خون شهیدای ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان اعلام میشود. فرماندهار نظامی تهران طی اطلاعیه‌ای ساعت منع عبور و مرور شبانه را از ساعت ۱۲ نیمه شب به ساعت ۹ شب افزایش میدهد. مقارن ساعت ۵/۵ بعد از ظهر مردمی که در خیابانهای اطراف دانشگاه به تظاهرات مشغول بودند مجدداً در دانشگاه جمع میشوند و با شعار "بگو مرگ بر شاه" بطسرف

پنج ... مشترک "شهربانی - ساواک - ارتش" برای مقابله با تظاهرات میباشند. عده‌ای دیگر از افراد ارتش بسیار بی تفاوت و برخی با عکس‌العملی مثبت و درخور توجه با تظاهر کنندگان مواجه میشوند. تظاهرات روز جمعه در منطقه دانشگاه تهران تا ساعت ۸ شب ادامه دارد و تظاهرات گران با قرار بعدی ۹ صبح فردا در دانشگاه تهران متفرق میشوند. شنبه ۱۳ آبان از ۸ صبح دسته‌های مختلف دانش‌آموزان و از ساعت ۹ صبح دانش‌جویان و همچنین گروه‌های از دیگر اقشار و طبقات مردم از نقاط مختلف شهر مازم دانش‌گاه تهران میشوند. درهای دانشگاه بمفسور شمس دانشگاه بروی مردم باز است. از شب قبل در رادیو و تلویزیون اعلام شده بود که فقط دانش‌جویان دانشگاه تهران با ارائه کارت دانشجویی می‌توانند وارد دانشگاه شوند. ولی انبوه جمعیت چنان بود که کسی را امکان بازدید کارت دانشجویی نبود. از ساعت ۱۰ صبح تظاهرات در دانشگاه شروع میشود. شعارهای مختلف با زمینه‌های مختلف ایدئولوژیک متفاوت داده میشود. اوضاع داخل و خارج دانشگاه با روزهای دیگر خیلی متفاوت است. ترکیب تظاهر کنندگان طیف وسیعتری را تشکیل میدهد. شعارها شامل "آزادی زندانی سیاسی"، "دشمن زحمتگشان، نوکر غارتگران، این شاه آمریکایی اعدام باید کرد"، "درد بر خمینی مبارز"، "اتحاد مبارزه - پیروزی"، "شاه به آتش کشید کتاب قسرتان را"، "مسجد کرمان را، خلق مصلحان را"، "دانشجو، محمل کارگر پیوندتان مبارک"، "شاه سگ زنجیری آمریکا" و ... میباشد. کیفیت مامورین انتظامی نیز با روز قبل متفاوت است. از لشکر گارد، اغلب درجه دار و با لباس استتار رزمی دست چپ شده و خلاصه آماده برای اجرای هر فرمانی است. جمعیت داخل دانشگاه تا ۵ هزار نفر تخمین زده میشود. جمعیت بطرف درهای چنکی دانشگاه با شعار "تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دارد" و "تا مرگ دیکتاتور نهضت ادامه دارد" و "بگو مرگ بر شاه" حرکت میکنند. از خروج جمعیت از دانشگاه جلوگیری میشود. انبوه جمعیت در بزرگ روبروی کتابفروشی دهخدا را از جا میکند. شلیک نارنجکهای گاز اشک‌آور و لنگه‌ای بعد تیراندازی بطرف جمعیت داخل دانشگاه آغاز میگردد. فرزندان خلق دلاورما یکی پس از دیگری نقش بر زمین میشوند. حدود ساعت ۱۲ ظهر این خبر در اطراف و اکناف شهر دهن به دهن پخش میشود: "کشتار در دانشگاه تهران". در خیابان تخت جمشید، بلوار الیزابت، خیابان پهلوی، میدان ولیعهد، خیابان امیرآباد تظاهرات دانشجویانیکه موفق به خروج از دانشگاه شدند و مردمیکه به آنان پیوستند با شعار "جلاد خون میریزد، خلق بپا میخیزد" و با حمل پلاکاردهایی که بر روی آن نوشته شده است "در دانشگاه تهران ۶۵ نفر شهید شدند" آغاز میگردد. صدای تیر - اندازی بصورت تک تیر و مسلسل لحظه‌ای قطع نمیشود. چهره خیابانهای اطراف دانشگاه تهران در بعد از ظهر شنبه ۱۳ آبان شباهت بسیاری به اطراف میدان شهدا و خیابان شهدا در روز ۱۷ شهریور دارد. تلاش برای نجات زخمی شدگان که به بیمارستان پهلوی و دیگر بیمارستانهای دانشگاه پزشکی دانشگاه تهران برده شده‌اند، ادامه دارد. از دارندگان گروههای مختلف خون خواسته میشود که به این بیمارستانها مراجعه کنند. جمعیت انبوهی در انتهای بلوار الیزابت محل در ورودی بیمارستان پهلوی برای دادن خون اجتماع میکنند. ماموران انتظامی بیمارستان را در محاصره میگیرند و از ورود مردم جلوگیری میکنند. درگیری سختی در جلوی بیمارستان رخ میدهد. مردم گروه گروه خروشان، خشمگین با مشت‌های گره کرده، در پی جمعه خونین میدان شهدا، اینک باید کشته‌ها را انتقام شنبه خونین دانشگاه تهران را هم بر دوش تحمل کنند. شب

اخبار...

اعتصاب کارگران خط لوله گاز نیز ادامه دارد. این اعتصاب که حدود ۱۴ آبان و در پشتیبانی از خواستهای کارگران اعتصابی نفت و از منطقه بیدیلند آغاز گردید، از طرف تمام کارگران خط لوله گاز ادامه یافته است. بدلیل نرسیدن گاز به دو مجتمع پتروشیمیسی جنوب، این دو کارخانه نیز از کار افتاده اند همچنین بعثت نبودن گاز، صادرات گاز ایران به شوروی نیز تا بیش از ۹۰٪ تقلیل یافته است و این خود ضربه موفری به طماعی این غارتگران است. ونیز عدم وجود گاز سبب شده که بسیاری از شرکتهای خصوصی بخش کپسولهای گاز از کار بیافتند. طبق اظهار نظر یکی از رؤسای شرکت گاز، چنانچه این اعتصاب بزودی پایان نیابد، بمبهای خط لوله گاز که برای مدتی کارنگرفته اند باید تعمیرات اساسی شوند و اینکار مخسار ج بسیار سنگین خواهد داشت.

اعتصاب کارمندان مخابرات با خواستهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی شان کماکان ادامه دارد.

حدود ۱۹ آبان کارمندان مخابرات بوشهر، در جریان مبارزه اعتصابی خود، مورد هجوم ارتش قرار گرفته و به گلوله بسته شده اند. از تعداد شهدا و مجروحین این واقعه اطلاعی در دست نیست.

در روز ۲۱ آبان اعتصابیون مخابرات در تهران خواستار برون رفتن ۴۰ نفر تکنیسینهای امریکایی از محل کار خود میشوند. رؤسای اداره از ترس خشم کارکنان به این خواست گسوسردن مینهند و اعلام میکنند که امریکاییها روز بعد بکار باز خواهند گشت. اما کارکنان مخابرات خواست خود را مبنی بر اخراج دائم ۱۰۰ نفر تکنیسینهای امریکایی از کل تاسیسات مخابرات اعلام میدارند. اینها در استخدام کمیاتی بل هستند که یک قرار داد ۱۶ میلیارد دلاری با دولت ایران دارد.

روز ۲۲ آبان کارکنان مخابرات تهران تمام امریکاییان را که در تهران کار میکنند و تعدادشان ۲۰۰ نفر است با کتک از مخابرات بیرون میریزند و پس از بیرون انداختن اسباب و وسایل آنها، در اداره شان سنگر میکنند. سربازان ارتش مجبور میشوند که ۲۰۰ نفر امریکایی که حواجه با توده خشمگین مردم بوده اند را اسکورت کرده از آنجا بدر ببرند. پس از حمله سربازان به مرکز مخابرات ۳۰ نفر از کارکنان مبارز مخابرات در این حمله شهادت رسیده و بسیاری دیگر زخمی شدند.

از روز ۲۸ آبان رژیم بدنبال سایر تسیسات گذشته خود برای درهم نكستن اعتصاب کارکنان مخابرات دست به دستگیری عدهای از کارکنان بخش بین المللی شرکت مخابرات، که اعتصابشان کماکان ادامه دارد، زده است. در ظرف دو روز چندین نفر از کارمندان مخابرات دستگیر شده اند گفته میشود که بگلیست نامی چهل نفری از طرف باواک تهیه شده و به دستگیرباغسین آنسان دست خواهد زد. هر روز ما مور- بین باواک و شهرپاشی با مسلسل وارد اداره شده و تعدادی را دستگیر مینمایند.

خواستهای کارکنان مخابرات، آزادی زندان، نیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، اخراج مستشاران خارجی، محکومیت مسببین کشتارهای اخیر و سایر خواستهای دموکراتیک بوده و نیز اعتصاب در همبستگی با کارگران اعتصابی نفت میباشد. اعتصاب کارگران و کارکنان روزنامه ها و رادیو و تلویزیون با خواست، "لغو بانسور" کماکان ادامه دارد. اخیرا سندیگای روزنامه نگاران ایران در مباحثه ای با اعلام کرده است که آنان به مبارزه خود ادامه خواهند داد آنان اعلام کرده اند که عدهای اعتصاب نکن به

بیرون دادن روزنامه های دولتی مشغولند ولیکن اکثریت وسیع روزنامه نگاران ایران تا بر آور شدن خواستهایشان بکار نخواهند پرداخت. کارکنان رادیو، تلویزیون اعلام کردند که مدیران رادیو - تلویزیون در همکاری با ارتش مرتجع و مزدور شاه یکمیری برنامه های تکراری چند سال گذشته را تحویل مردم میدهند تا این تصور را بوجود آورند که کارکنان این اداره بکار مشغولند.

علاوه بر اعتصاباتی که ذکر آنان رفت اعتصاب دیگری نیز وجود داشته که مختصرا به ذکر آنها میپردازیم:

اعتصاب فرهنگیان، استادان و دانش آموزان که با خواسته های دمکراتیک و ضد امپریالیستی آغاز گردیده بود کماکان ادامه دارد. و دولت از هاری غاثن روز ۱۷ آبان اعلام کرد که دبیرستانها و دانشگاهها تا اطلاع ثانوی تعطیل خواهد بود. قرار بود که موسسات آموزشی از روز ۲۱ آبان باز شوند، ولیکن بخاطر وحشتی که دولت از مبارزات دانشجویان و محصلین دارد جرات باز کردن مدارس را ندارد.

کارمندان و کارکنان شهرداری تهران، با خواستهای سیاسی و از جمله لغو کاپیتولاسیون، آزادی تمامی زندانیان سیاسی و با یاد دادن به حکومت نظامی، از ۱۴ آبان اعتصاب خود را آغاز کرده اند.

کارمندان و کارکنان "حرکت هوایی ملی ایران" با خواستهای کاملاً سیاسی دموکراتیک و ضد امپریالیستی دست به اعتصاب و کم کاری رده اند.

کارگران و راستندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که قرار بود از ۲۱ آبان بسر کار خود باز گردند، از آغاز بکار خودداری کردند. کارکنان بیمارستان رفاه پهلوی نیز با خواستهای سیاسی علیه رژیم و حکومت نظامی دست به اعتصاب زدند.

در وزارت کشاورزی، کارمندان بنساز و زیر خاسته و عکسهای منجوس شاه را آتش زدند. در بازار تهران از طرف بازاریان مبارز، کمیته ای برای حمایت از اعتصاب کنندگان تشکیل شده و صندوقی برای کمک به اعتصاب کنندگان بوجود آمده است.

از ۲۳ آبان اعتصاب کارکنان نیروگاه سدشا شاه و چند مرکز دیگر نیروگاههای برق تهران آغاز گردید. بخشهایی از کارگران دست به اعتصاب زده و بخشهای دیگر با کم کاری، باعث خاموشی برق در اکثر مناطق تهران شده اند. این اعتصاب با خواستهای سیاسی آغاز گردیده است. در نتیجه این اعتصاب و خاموشی برق در تهران، همان شب ترافیک در تمام خیابانهای تهران دچار سر درگمی عظیمی شد که خود باعث عدم قابلیت نیروهای نظامی رژیم برای انجام قوانین فاشیستی حکومت نظامی شد.

مبارزات توده ای در شهرهای مختلف

مبارزه و تظاهرات بزرگی روز ۱۸ آبان در بازار تبریز رخ داد. پلیس جرات حمله باین تظاهرات را نداشته و تظاهرات با موفقیت به پایان رسید. بازار تبریز و بسیاری مراکز دیگر کماکان تعطیل و در اعتصاب هستند در ۱۷ آبان نیز تظاهرات بزرگی در محله چراندا بک پایا گردید که با موفقیت پایان یافت. در اهواز اعلامیه ای پخش گردیده است که به خارجیان مزدور هشدار داده است که اول دسامبر از ایران خارج شوند. بعد از واقعه دانشگاه و مبارزات دانشجویان و توده مردم، رژیم شاه مجبور به مستقر کردن بیش از ۱۰۰۰۰ نفر مزدور ارتشی شده است تمام حکومت لوزان شاه را در مقابل قیام مسرمد

پایدار نگاه دارد. در روز های ۱۹ و ۱۸ آبان سربازان مزدور شاه بخانه های مردم در گرگان، دزفول و آمل حمله ور شده، ولی با مقاومت دلیرانه و مسلحانه مردم روبرو میشوند. در این شهر مردم سنگر بندی کرده و مبارزه میکنند. همچنین در شهرهای اهواز، مشهد، و زنجان تظاهرات گسترده ای ترتیب داده شده است. در تظاهرات عظیم اهواز شعار مردم "تا سرنگونی شاه نهضت ادامه دارد" بوده است.

در قم مبارزات وسیعی جریان یافته است که ۴ نفر از مردم مبارز ما شهید گشته اند. شهر قم محنه درگیریهای مداوم مسلحانه بین نیروهای انقلابی مسلح و مزدوران رژیم غاشن بوده و بویژه در هفته سوم آبان ماه، ضربات نیروهای انقلابی مسلح به صفوف ارتش و پلیس رژیم افزایش یافته است. به همین سبب ارتش مزدور شاه تمام مسافریتی را که به قم رفته یا از قم برمیگشتند، مورد بازرسی قرار میداده است تا مسلح نباشند. گرایش به مسلح شدن و درگیری مسلحانه با نیروهای سرکوبگر رژیم در بین تمام مبارزین ایران تقویت شده و در شهرهای مختلف نمونه های اینگونه مبارزات زیاد بوده است.

تحریش: در مبارزات که روز بعد از انتخابات از هاری فاشیست به نخست وزیری، در تحریش میدهند و دو نفر بدست جلادان رژیم به نهادت میرسند. شهادت این دو مبارز سراز حمله ارتش مزدور شاه به بیمارستانی که عدهای از تظاهر کنندگان سراز بیورن ارتش، با نجازت بودند، اتفاق افتاد.

تظاهرات وسیعی در بهشت زهرا بمناسبت یادبود شهدای دانشگاه تهران، روز ۱۹ آبان نیز گزار شد. تعداد شرکت کنندگان در این تظاهرات که با شرکت دانشجویان و توده مردم بوده بیش از ۱۰۰ هزار نفر بوده است. پلیس و ارتش فاشیست شاه غاشن جرات مداخله در تظاهرات داشتند و فقط با تیشهای شرکت کنندگان را بازرسی می کردند.

در مبارزات وسیع مردم اهواز و تظاهرات تیکه در این شهر برگزار شده، درگیری شدیدی بین مردم مبارز و پلیس مزدور بوقوع پیوست که در نتیجه آن ۳۰ نفر از مردم اهواز شهید شده و بسیاری دیگر زخمی شده اند.

در مشهد نیز مردم دلیر ما، علیرغم تمام تهدید و اراعیهای حکومت نظامی بخیا با آنها ریختند و با یک تظاهرات ۶۰۰ هزار نفره، اراده و خواست مردم ایران را برای مبارزه در راه سرنگونی رژیم منفور شاه نشان دادند. تظاهرات ۶۰۰ هزار نفری مردم مشهد پاسخ شایسته و قاطع خلق ما به حوطه حکومت نظامی بوده است. همچنین در شهرهای دو گنبدان، بهبهان، بهشهر، میر جاوه، بیجار، اصفهان، کرمان، نشاء، خرمشهر، نجف آباد، قم، اهواز و تهران و بسیاری شهرهای دیگر تظاهرات عظیم از طرف مردم به همین مناسبت در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آبان برگزار گردید.

اصفهان - در تظاهرات اصفهان درگیری بسیار شدیدی بین نیروهای نظامی رژیم و مردم بوقوع پیوسته است و چندین بانکا از طرف مردم بکشت کشیده شده است. نجف آباد - در تظاهرات این شهر مردم مورد حمله مزدوران رژیم پلیس و ارتش واقع شده و در طی این درگیری ۱۶ نفر از مردم دلیرمیهن ما شهادت میرسند.

قم - تظاهرات گسترده ای با شرکت آیت الله منتظری و آیت الله صدوقی برگزار گردیده و ۳ نفر شهادت رسیدند. فرماندار نظامی قم برای جلوگیری از گسترش مبارزه اعلام کرده است که تمام مدارس برای مدت یک هفته دیگر نیز بسته خواهد بود.

برای مدت یک هفته دیگر نیز بسته خواهد بود. خرمشهر - در تظاهرات و درگیریهای وسیعی که از طرف مردم با پلیس انجام گرفته بسیار از ۵۰ نفر از مردم مبارز این شهر شهادت رسیده اند. این مبارزات همراه با اعتصاب کارکنان شرکت مخابرات خرمشهر نیز بوده است در این درگیری ها تعداد زیادی از سربازان نیز کشته شده و ۱۵ بانکا به آتش کشیده میشود.

تهران - تظاهرات بسیار وسیعی توسط مردم صورت گرفته که مورد هجوم پلیس قرار میگردد و بسیاری زخمی میگرددند. همچنین عدهای اوباش مزدور دولت شاه خاشن به بازار ریخته و مردم را مورد ضرب و شتم خود قرار داده اند. رژیم منفور شاه که دیگر قادر به حفظ اوضاع نیست خود نیست و ارتش ۵۰۰ هزار نفری اش نتوانسته در اراده مردم ما تاثیر بگذارد و مبارزاتشان را خاموش سازد، اکنون دست به ایجاد دار و دسته های اوباش خود زده تا ب مردم ما بتازند و مردم ما را مورد ضرب و شتم قرار دهند. این اعمال تازگی نداشته و قبلا نیز رژیم سوسیالیست ده که بدین طریق جلوی مبارزات مردم را بگیرد نمونه های گرمان، پاوه، آمل و غیره از این قبیل هستند.

ایلام - در مبارزاتی که در این شهر انجام گرفته یکنفر زن مبارز هدف گلوله سربازان ارتش مزدور شاه قرار گرفته و به شهادت میرسد. کرمانشاه - در مبارزات این چند روز یکنفر شهید و ۵ نفر بدست زخمی گردیدند. در دو روز اخیر بیش از ۶۰ درصد معازنه ها تعطیل بوده اند. اصطوانات - در تظاهراتی که در این شهر بوده یک هتل به آتش کشیده شده است.

گرمان - یک تظاهرات وسیع بمدت ۵ ساعت در این شهر برقرار بوده است. بابل - در تظاهرات گسترده ای که اتفاق افتاد است ۸ نفر از مردم دلیر این شهر شهادت رسیده اند.

فوجان - مردم دلیر فوجان یک بانکا از رابطه کامل صلاح نموده اند.

اهواز - مردم یک کارمند مزدور انگلیسی کت نفت را از ماشینش بیرون کشیده و ماشین را آتش زده اند. همچنین مردم بخانه های چند نفر از امریکاییان مزدور ریخته و پس از بیرون ریختن آنان، خانه هایشان را به ویرانه تبدیل کرده اند. علاوه یک گروه مبارز با پرشاب بمبسی بطرف ماشین حامل یک مزدور امریکایی به نام جرج لینک، که مدیر کمیاتی سرویس نفتی ایران میباشد بار دیگر خشم خود را نسبت به مزدوران امریکایی اعلام داشتند. در این واقعه ماشین و راننده اش صدمه دیده ولی متأسفانه خودش جان سالم بدر برده است. در سراسر مناطق جنوبی ایران اعلامیه های خطاب به خارجیهای مزدور پخش شده که آنان را از ادامه اقامت در ایران و کار کردن برای رژیم مرتجع شاه بر حذر داشته است.

تهران - روز ۲۳ آبان تظاهراتی در جنوب شهر تهران از طرف دانشجویان مبارز برگزار میشود که به دخالت پلیس فاشیست شاه و تیسر اندازی آنان میانجامد و بسیاری زخمی وحتسالا شهید میگرددند.

سنقر - در تظاهراتی که برگزار گردید، مردم پس از آتش زدن خانه فرماندار با دخالت ارتش روبرو میشوند و ۳ نفر شهید و ۱۹ نفر زخمی میگرددند.

کرگان - تظاهرات وسیع چند هزار نفره ای در روز ۲۳ آبان برگزار گردید.

لاهیجان - مردم دلیر این شهر به مبارزه خود نیینی با ارتش و پلیس برخاسته و در درگیری خونینی که اتفاق افتاده ۳۰ نفر شهید و ۲۲ نفر بدست زخمی شده اند.

چهرم - در دهی در نزدیکی چهرم، مردم مبارز بقیه در صفحه ۴

زنده باد دلاوری خلق!

کارگران...
 وخبی را برای رژیم شاه ایجاد نمود. طبق گفته امیرالیستها و خود سرکردگان رژیم شاه، اعتبار نفت در هر روز حدود ۶۰ میلیون دلار به دولت ایران ضرر میزند. روشن است که این ضرر به آسانی و بسادگی قابل جبران نیست و رژیم شاه از هیچگونه تلاش و کوششی برای جلوگیری از این حرکت فروگذار نخواهد کرد.

ضربه اعتصابات کارگران و بخصوص کارگران نفت و فشار آن بر روی رژیم شاه آنچنان شدید بود که رژیم که تا یکسال پیش هرتقاای ساده کارگران را "غیرموجه" داشته و با سرباز و ارتش به آنان هجوم میبرد، اکنون قول اضافه دستمزد تا ۱۰۰٪ را داده است. روشن است که این امر نه خواست رژیم بوده و نه در توان شاه است (بویژه که امروز دامنه و شدت بحران آنچنان گسترده است که در واقع جز نام ورشکسته کامل را نمیتوان بآن داد) بلکه تنها تزلزل و ضعف نارودسته حاکم را میرساند که از ترس مرگ، هرگونه قولی را میدهند تا شاید چندی روزی بیشتر بر اینکه حکومت جای بگیرند.

دوما آنکه این مبارزه طبق گفته خود کارگران، دارای هیچگونه خواست اقتصادی نبوده بلکه فقط خواستهای سیاسی داشته است. آنچه رژیم شاه را به ریشه مرگ واداشته، همین خواستهای سیاسی است که برای مرتجعین ایران و بالطبع فاشیستهای باند پهلوی امکان اجرای آنها وجود ندارد و آنان در طرح این خواستها و انجام آنها، سقوط خویش را میبینند. این خواستهای سیاسی که از طرف کارگران مطرح شده در دو رده قرار گرفته و دو زمینه اساسی را تشکیل میدهند.

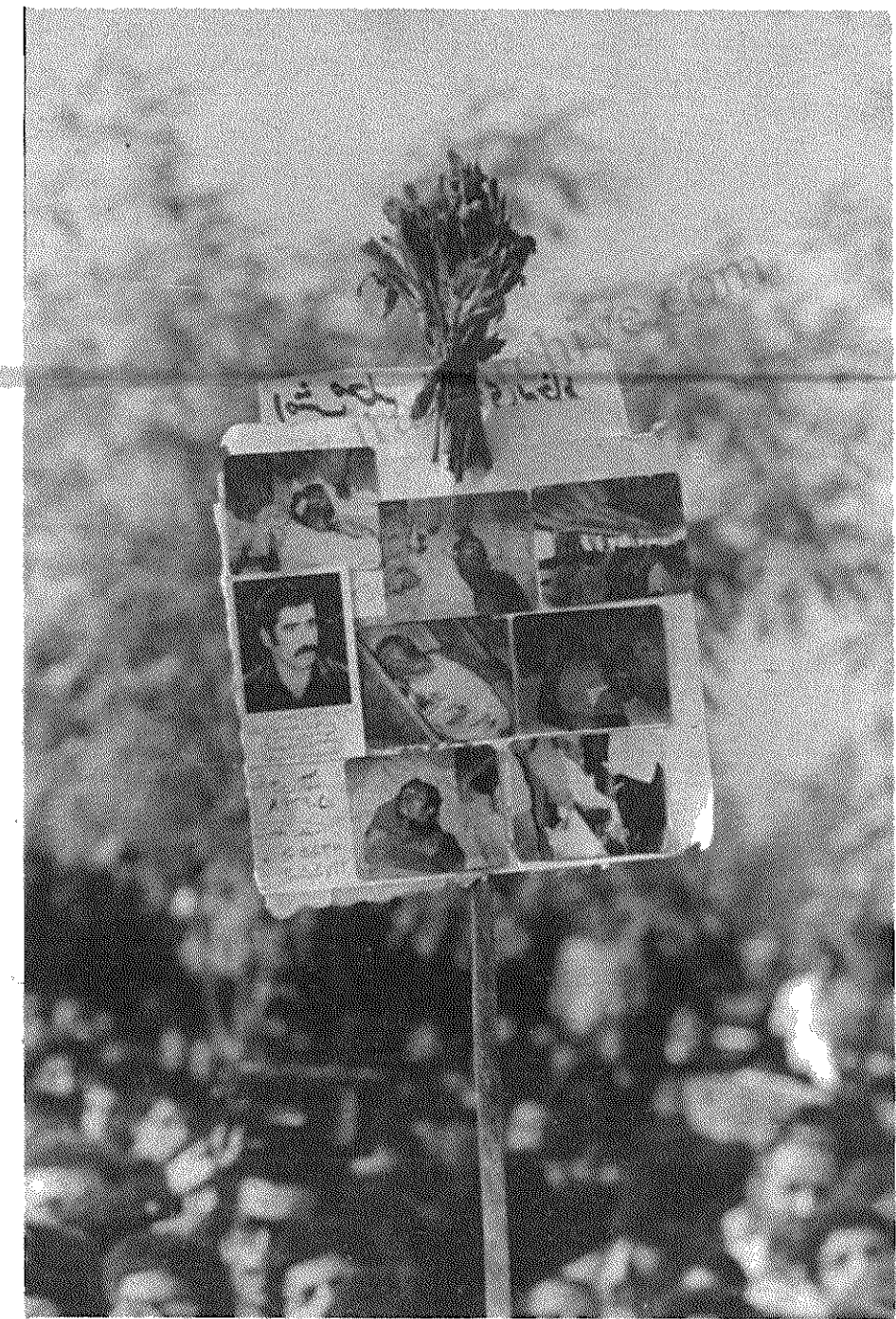
یکم خواستهای دمکراتیک آنها همچون آزادی تمام زندانیان سیاسی، برچیده شدن حکومت نظامی، دستگیری و مجازات تمام عاملین کشتارهای اخیر مردم و خواست برچیدن دولت نظامی که از روز ۱۵ آبان به این خواستها اضافه گردید. این خواستهای سیاسی که بر متن مبارزه گسترده توده‌ای در یکناله اخیر و نیز با تکیه اعتصاب کارگران در سراسر ایران و بالای خره اعتصاب سراسری کارگران نفت مطرح شده، رژیم شاه را در تنگنایی گریزناپذیر قرار داده است. بحرانهای مداوم سیاسی که هر یک از آنها رژیم را بیشتر بسوی از هم پاشیدگی می-کشاند و فشار جنبش مردم که رژیم را وادار به عقب نشینی مینماید - که نمونه ای از آنها در آزاد ساختن بسیاری از زندانیان سیاسی قهرمان ایران دیدیم - وضعیتی را برای حکومت شاه فراهم آورده که قادر به مقابله با این حرکت کارگران نبود و در واقع راه پس و پیش بیرونی بسته شده است. انجام این خواستها در توان رژیم منغور شاه نیست چرا که اجرای آنها جز بمعنی نفی موجودیت خودش نمیشد. عدم انجام این خواستها باعث گسترش هر چه بیشتر مبارزه و بازم فلج شدن ارکان اداری و قطع درآمد مالی و دریک کلام بهم ریختن نظم کل دستگاههای رژیم میباشد و آنهم در این شرایط جز سقوط بسوی مرگ مفهومی ندارد. بروی کار آمدن دولت نظامیان از طرف شاه، برای مقابله با این موج توفنده مبارزات مردم و بویژه مبارزات کارگران، در واقع پاسخی است که دارودسته شاه برای معضلات کنونی خود یافته است. اما این پاسخ هم عملا نتایج مثبتی برای رژیم مبارز نیاروده و خود باعث تشدید مبارزه شده است. تمامی تلاش دولت نظامی از هاری فاشیست برای درهم شکستن اعتصاب کارگران نفت از این زاویه است که با پایان دادن به این مبارزه، موقعیت کنونی رژیم شاه را در مقابله با جنبش تا حدی مستحکم نماید و بتواند با مسائل دیگر رویرو شود. در واقع از جانب خود رژیم شاه نیز این اعتصاب بمثابه نقطه مرکزی مقاومت و مبارزه

کارگران جایگاه خود را کم کم باز کرده است. طرح این خواستهای ضد امیرالیستی امکان بسیاری از مانورهای امیرالیستها را محدود کرده و به جنبش دید و سمت روشنتسیر و درست تری میدهد. اجرای این خواستهای مردم زحمتکش ما که با اساسترین منافع امیرالیستها در ایران مقابله کرده و بسادگی میتوانند در تکامل خود به خواست قطع کامل نفوس امیرالیسم برسند، نه از عهده رژیم شاه بر میآید و نه رژیم منحط و مرتجع دیگری که دست نشانده امیرالیستها باشد و نه هیچ رژیم لیبرال و فرمیستی که در سازش با امیرالیستها به قدرت برسد. قاطعیت و مواقع روشن فکری امیرالیستی جنبش ما آن مرزبندی لازمی است که باید بین حرکت انقلاب که خواهان استقلال کامل و بیرون راندن امیرالیستها است و فرمیستها و لیبرالهایی که چشم انتظار به مراجع امیرالیستها دارند، بوجود آید.

در عین حال طرح این خواستهای ضد امیرالیستی جنبش، عملا تمام تبلیغات مرتجعانه و پوسیده امیرالیستها را که گویا جنبش مردم ما "خواهان عقب ماندگی" و "بازگشت به

مردم ما ارزیابی شده و نیروی ارتجاع برای سد کردن این مبارزه متمرکز گردیده است. ادامه این مبارزه تا کنون، و ایستادگی کارگران مبارز بر روی خواستهای بحق خود و نیز شهید و اربابهای رژیم شاه و خط و نشان کشیدنهای از هاری و اویسی (وزیر کار) و مقدم (رئیس ساواک و وزیر انرژی) که هیچکدام هم بجای نرسیده اند، همگی نشاندهنده اهمیت خاص این مبارزه و نقش آن در تکامل کنونی جنبش میباشد.

زمینه دیگرخواست سیاسی کارگران نفت که بدان اهمیت ویژه ای میدهد، طرح خواستهای ضد امیرالیستی نظیر اخراج تمام کارشناسان مزدور خارجی و لغو قرار دادها کنسرسیوم است طرح این خواستها از طرف کارگران بمفهوم ارتقاء خواستهای جنبش کارگری میهن ما بسطی است که مبارزه برای کسب دمکراسی را با مبارزه جهت استقلال و بیرون راندن امیرالیسم بیکدیگر پیوند داده و در اشکال خاص و معین خود - اخراج کارشناسان و لغو قرارداد - بیان نموده است، کما اینکه امروزه بیان خواستهای ضد امیرالیستی در مبارزات تمام اقشار و بویژه



جنبش مردم ما در ماههای اخیر شهدای پراقتخاری بجای نهاده است. عکسهای آنان در دست سایر مبارزین راه آزادی ایران و بمثابه نمونه های مبارزه، حمل میگردد.

قرون وسطی" و غیره است را نقش بر آب ساخته و نشان میدهد که مردم ایران برای استقلال و آزادی است که دست به مبارزه زده اند. امروز دیگر امیرالیستها با تبلیغات مزورانه و مرتجعانه خود نمیتوانند خلقهای جهان و افکار عمومی را در ابهام نسبت به حرکت و مواضع جنبش ما نگاه دارند. جنبش ما و در پیشاپیش آن کارگران قهرمان صنایع نفت اعلام کرده اند که خواستار قطع دستهای غارتگر و متجاوز امیرالیسم هستند و این خواست بحق و عادلانه است که در پیوند با آرمانهای تمامی مردم جهان قرار داشته و پشتیبانی عمیق و بسی - ثابته آنان را به همراه میآورد.

مبارزه کارگران نفت که با وسیعترین حرکت نیروهای ارتجاع برای سرکوب ساختن مواج گردید، با اتکاء به شکل درونی این کارگران و وجود یک هسته رهبری که بتواند به مسائل خاص مبارزه در هر زمان توجه نموده و ادامه مبارزه را تضمین نماید، به پیش رفته است. رژیم مرتجع شاه هم بر نامه سرکوب خود را با دستگیر نمودن ۱۲ نفر رهبران اعتصاب آغاز کرد و در پی آن به بازداشت تعداد زیادی از فعالین این مبارزه کارگری دست زد تا شاید قادر به مقابله با آنان گردد. اما آنچه خاثر اهمیت است با فشاری کارگران بروی خواستهای

خود و دست نکشیدن از مبارزه - علیرغم تمامی این تلاشهای رژیم شاه - میباشد که عملا اثر - ناتیب دیگری بجز اشغال نظامی همه جانبه مناطق نفت خیز جنوب و نیز کمک گرفتن از کارگران و متخصصین خارجی و ارتش را در مقابل رژیم باقی نگذاشته است.

مبارزه پیگیرانه کارگران نفت در زمان بحران انقلابی کنونی، نقشی بس ارزنده در تکامل مبارزات مردم ایفا کرده و در واقع پیکان اصلی نبرد زحمتکشان ایران بر علیه دستگاه ستم و استعمار محمد رضا شاه میباشد. اعتصاب کارگران نفت که بیان کننده خواستهای سیاسی مردم ما در این زمان بوده و مبارزه آنان برای درهم کوبیدن رژیم مرتجع شاه را گامی بزرگ بجلو برده است، در واقع سمبل حرکت مردم ما است و باید که مورد پشتیبانی همه جانبه تمامی مردم ایران قرار گیرد. مبارزه در پشتیبانی و همبستگی با کارگران نفت - که نمونه های فراوان از تبلور آن در مبارزات گروههای مختلف اجتماعی همچون کارمندان و کارکنان مخابرات، کارمندان وزارت دادگستری، فرهنگیان، دانشگاہیان و نیز مبارزات گسترده دانش آموزان و دانشجویان دیده شده است - وظیفه تمامی بخشهای مردم ماست. اکنون که رژیم شاه با تمام نیرو برای سرکوب این مبارزه میکوشد و اولین هدف خود را پایان دادن به این اعتصاب و براه انداختن چرخ صنایع نفت - بمثابه شریان زندگی اقتصادی ارتجاع - اعلام داشته است، مردم ما نمیتوانند و نباید که نسبت به مبارزه این کارگران بی توجه بمانند. ادامه مبارزه کارگران نفت آن پاسخ شایسته ای است که مردم ما به این توطئه رژیم شاه داده و به ارتجاع ایران نشان خواهند داد که نمیتواند در برابر مبارزات مردم ما مقاومت نماید. اما این پاسخ شایسته تنها میتواند متکی به مبارزه تمامی مردم ما در پشتیبانی از کارگران دلیر نفت که با اعتصاب سیاسی خود مؤقتیت رژیم را این چنین لرزان کرده اند، باشد. بیروزی کارگران نفت، بیروزی تمام مردم و گامی بس بزرگ در راه مبارزه بر علیه رژیم مرتجع شاه و اربابانش خواهد بود. مسلما مردم ایران، در این مبارزه، پشتیبان بسی - قید و شرط کارگران نفت بوده و تمامی نیروی خود را برای کسب خواستهای آنان، کسه چیز خواستهای تمام مردم ایران نیست، بکار خواهند انداخت.

دست تارا جگریا نکي از ايران کوتاه!

سخنرانی ...
 ولایت چاپ شده و از پولش به خانواده یک زندانی سیاسی کمک شده، که آنهم بی من مربوط نبود. شاید با پولش خیلی کارهای دیگر میکردند. و عاقبت خنده دارتر از همه اینکه از من خالو رسول را میخواستند. یکی از قصه های از این ولایت، که این پیرمرد که رادیو خارجی می گرفته در این قصه، الان کجاست (خنده حضار).
 رابطه خود را با خالو رسول بنویسید و کلیه فعالیتهای خود را با ایشان بگوئید (خنده حضار) فقط دو کتاب از خانه و دکان و این چیزها از من گرفتند "از این ولایت" و "صد جاودانه شد" که آنها را هم توی پرونده ام گذاشتند و بخاطر عضویت در انجمن تئاتر ایران محاکمه کردند.
 جریان شکنجه ها و همه مسائل را آقای تنکا بنی گفتند ولی بطور خلاصه چند مورد را میگویم که هم متاثر کننده است و هم خنده دار: سال ۵۱ که زندان بودم، آلکساندر دانیل که یک پیرمردی بود گرفته بودندش. این در زیر شکنجه اعتراف کرد که بله دست از سر من بردارید، من ۱۰ تا آمریکایی را کشته ام. گفتند کجاست کجاست بغرمائید بریم، بردند که قبر آن آمریکائیه را نشان بده، گفت بیا من اینرا بگویم که یک ساعتی مرا بیرون بیاورید که نفسی تازه بکنم (خنده حضار). یک کسی در اثر فشار زیاد گفت که آقایان نزنید که من یک تونلی از زیر دریای خزر به شوروی زده ام و از آنجا اسلحه وارد می کنم (خنده حضار). یک فردی هم بود که غالباً در این جریانات و با این روحیه ناجور می آمد افراد را نصیحت میکرد. به بازجوها فحش می داد که چرا میزنیدش ولش کنید، دست از سرش بردارید. بگوروی هم آمد و بمن گفت جان، تو میخواستی رئیس جمهور بشی؟ گفتن بیا من کی میخواستم رئیس جمهور بشوم. گفت نه، تو کی را میخواستی، چه را میخواستی پیدا کنی از این وضع موجود بهتر؟ کی هست؟ کی را میخواهی از این بهتر؟ هم دوچرخه سواری بلده، هم اسکای بلده، هم ماشین سواری بلده، هم کنکورده می شنید. نمیدانم فلان و بهمان، گفت من کسیرا از این بهتر نمیدانم (خنده حضار). این آلکساندر دانیل وقتی با من درد دل میکرد همیشه میگفت علی اشرف من از یک چیز نگرانم، میگفتم چیه؟ میگفت آن بمبسی که توی پرونده من گذاشته اند (خنده حضار). زن و فرزندش که ملاقاتش می آمدند میگفتند آخر ای پیر مرد این آخر عمری این بچه چه بود توی پرونده ات گذاشته اند، این بچه را از کجا آورده اند؟ میگفت واله من خبر ندارم، گذاشته اند دیگه (خنده حضار).

همیشه بما میگفتند خوب، حالا چرا مردم الان بفریادهایمان نمیرسند، کجا هستند ایسن

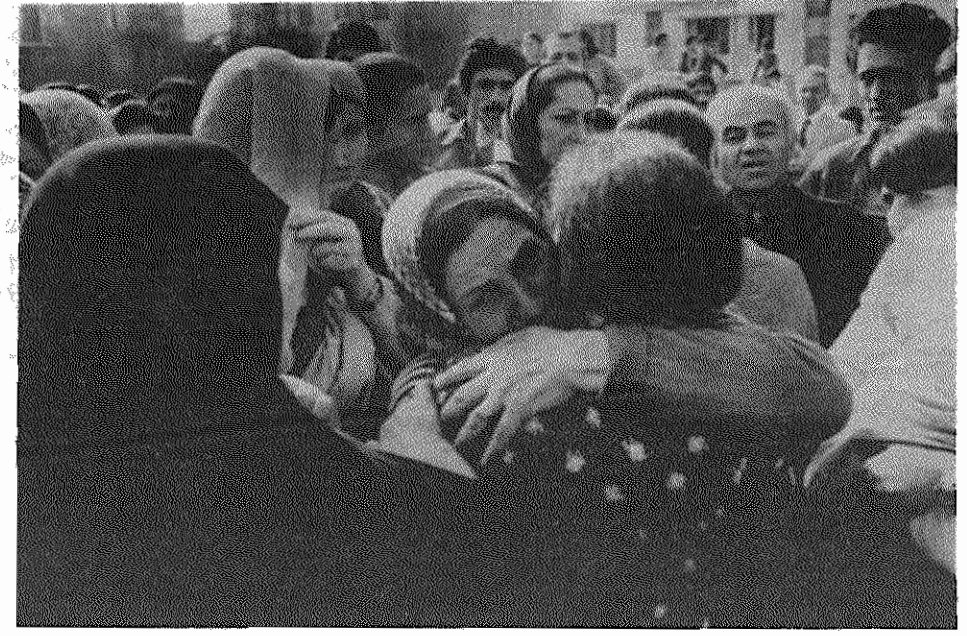
مردمی که شما ازشان دفاع میکردید؟ چه شدند چه برشان آمد؟ کجاست؟ ولی ما همیشه می دانستیم که مردم هیچوقت فراموشان نمیکنند. در جریان شکنجه ها، زن را وادار میکردند که همسرش را شلاق بزند که البته در بیشتر موارد نمیزدند یا توی صورت و بازوها میردند و یا برعکس مردی را وادار میکردند که به پای خانمش شلاق بزند. در آن اوضاع هولناک یکشب بگوش خودم میشنیدم که در بین صف بودیم، که فردی را میزدند. فقط دو جمله میگفت: یک شلاق میخورد و میگفت "حسن" و یکی میخورد می گفت "حسین"، و هر شلاق میخورد این ضربه ها تکرار میشد و فقط اینرا میگفت، تا وقتی که شهید شد و در گونی پیچیدند و بردند. بعد بازجویی آمد و گفت چرا اینقدر زدید به این تا بمیرد؟ ما با این کار داشتیم چرا اینطور کردید؟ این گفت خودت گفتی که بزن، تازه بر سر آن دعواشان بود. میگفت ما لازم داشتیم، چیزهای خیلی زیادی هست امیدوارم بتوانم بعداً بطور مفصل بنویسم، نمیخواهم حالا مزاحمتان بشم. از افرادی که مدت های طولانی در کمیته ماندند و سلامتی خود را واقعا از دست دادند، یحیی رحیمی ۳ سال در کمیته بود، توی سلول، وقتی که بیرون آمده بود کج شده بود، دندان هایش ریخته بود الان هم آزاد نشده، توی زندان غلامرضا اشترانی معلم، ۲۵ ماه در کمیته بود. تمام وسائل شکنجه را روی اشترانی بیساده کردند چون توی هیکل و بدن تنومندی داشت و این بدن خوبی بود برای این که بپینند این دستگاهها تا چه اندازه عملکرد دارند. سال ۵۱ که مرا دستگیر کردند، گل سرخ انقلاب مهدی رفیقی (گفردن بنید حضار) را گرفتند و چون مدت ۲ ماه بست اطاق شکنجه بودم، شاهد تمام کارهایی که سر این فرزند رسد خلق ما آورده بودم. اما آقای اشترانی هنوز کمر درد دارد و ناراحت است و املا تمام دندانهایش هم افتاده و الان در زندان بسر میبرد، علی صدر عاملی ۲ سال در کمیته بود و او هم کمر درد درد معده و سر درد دارد.

چند تا چیز خنده دار از کسانی: یک نفر را توی خیابان گرفته بودند میزدند، میگفتند فلان فلان شده تو کمونیستی. میگفت بخدا قسم من فوتی لیستم، کمونیست نیستم (خنده حضار). داستان خطاب به رئیس دادگاه میگفت: آقای رئیس دادگاه این منم نه تنها کتابهای فاشی را خوانده بلکه کتابهای رفیق مائو را هم خوانده (خنده حضار). رفیق مائو را میخوانده رفیق مائو. یک فرد روحانی را گرفته بودند که روی منبر گفته بود فلان مقام مملکتی قمار کرده و باخته و فلان مبلغ باخته در فلان چاه ایینه میزدند که فلان فلان شده چرا این حرف را

زدی؟ این قسم میخورد که بخدا قسم من گفتم برده نگفتم باخته (خنده حضار).
 من فکر کردم که بهترین کاری که می توانم بکنم اینه که یک نامه ای بنویسم به رفقای زندانیم و اینرا بهر حال در روزنامه ای فلاتی چاپ بشه تا آنها هم مطلع بشوند. اگر موافق باشید (خطاب به حضار)، تا آنرا برایتان بخوانم و اگر خسته میشد که نه، ختم بکنم. رفقای عزیزم، برادران خوبم، خواهرا ن مهربان و نازنینم، پس از سلام، چند روزی است که بی شما و دور از شما زندگی میکنم اما تمام وجودم اشتیاق دیدارتان را دارد و شما را میخواهد، شما که در برابران ستاره کم بوشی هستم و از سرتوتان زنده ام. آنروز که از شما جدا شدم، آن کف زندهای شما، آن قیافه های پر ملامت و شجاع و مهربان شما با همه خوبیهایتان سینمام را بر از عشق و کینه نمود. عشق به شما، عشق به حاصل سالها رنج و دربندری و شکنجه شما که میرفتم تا از نزدیک ببینم و کینه نسبت به دشمنان شما، به دشمنان آزادی، دوستان من، سروهای آزاده و رشید، خورشیدهای زندگی، بطور میتوانم فراموشان کنم؟ ما که با هم داشتیم یک زندگی انسانی و شرافتمندانه را در آن چهار دیواری تنگ و پر از وحشت و اختناق تجربه میکردیم، ما که در آن شرایط سخت و غیر انسانی یک تکه آفتاب را که از سوراخ ملول به درون میتابید بطور برابر تقسیم میکردیم. ما که یک خانه سبزه را که به ۵۰ قسمت میکردیم، بطور میتوانم فراموشان کنم؟ من که در مکتب انسانی شما موختم که چگونه بسرادر وار زندگی کنیم؛ اینکه چگونه میتوانم غیر از آن رفتار نمایم؟ نادم نمیرود که چگونه هر تکه نان برشته، هر تکه گوشت ببرد بخور اگر در غذا پیدا سسند و هر چه را که خودتان شدیداً بدان نیاز داشتید، با گذشت و فداکاری جدا میکردید و بمن و رفقای مریض میدادید. ما دنیسای آزادی آینه، خویش را پایه گذاری میکردیم پس چگونه میتوانم برای ساختن چنان دنیاسی تلاشی نکنم.

برادرانم، رفقای خوبم، خواهرا ن چشون برگ گل و شکنجه دیده ام، من میدانم که خلق ما و مردم قدر شناسی ما هیچگاه فراموشان نمیکنند و برای آزادی شما، برای رهائی شما نمونه های انسانیت و شرافت همچنان بیسارزه خواهند کرد. افتخار میکنم که همیشه در کنار شما باشم، در صف شما باشم و پیش مرگتان باشم. همچنانکه در صف پشت اطاق شکنجه با هم بودیم رفیقی در جلو و برادری در پشت سر، برادری بروی تخت شکنجه و رفیقی آویخته از صلیب شوک دار، فریاد خواهی که سینه نازنینش را می سوزاندند و ناله خواهر کوچولوشی که وحشی صفان نا جوانمرد پاهاش را آتش و لاش کسوده بودند. فریاد و نفرین مادری که جگر کوته اش را در جلوی دیدگانش شکنجه میدادند تا ثوبت خودش برسد. آری همیشه و همه جا با هم خواهیم بود، تا استبداد هست با هم خواهیم بود، تا ظلم هست در یک صف خواهیم بود، تا روتیهای غیر انسانی و ضد دموکراسی هست با هم خواهیم بود، تا آزادی و بند باشد با هم خواهیم بود، تا نابودی دشمنان و وطنمان با هم خواهیم بود و پس از آن در کنار هم از دست آوردهایمان با جنگ و دندان دفاع خواهیم کرد، جایمان خالی، آنروز صبح که از اوین بخواست مردم آزاد شدیم با وجودیکه با مینتی یوس سرپوشیده ما را توی بیابانهای اطراف پیاده کردند، اما سیل مردم بسوی ما می دویدند. با دسته های گل، با فشردن دستها و روی دست بلند کردها. آن پیرزن با اشک شوق و شمار "درد به زندانی سیاسی"، آن روستایی با دستهای زبر و صورت آفتاب سوخته و لبهای ترک خورده، آن کارگری که گوئی صد سال است مرا می شناسد، آن نوجوانی که تازه کرک

های نرم صورتش را پوشانده بود و آن کودکی که با خوجی چند روزی یک دسته گل خریده بود و از غیر سختی و شیرینی گذشته بود. راستی اینها همانهایی هستند که ما بخاطرشان در هولناکترین شرایط زیر دست دژخیمان له شدیم، تا پای مرگ رفتیم، خونین و ناسزا شنیدیم، بی حرمتی دیدیم و بسیاری از عزیزان خود را از دست دادیم. اینها همانهایی هستند که حاضریم باز هم بخاطر ایننگه در دنیا شکیه در آن از استعمار، استعمارگر، مستبد و چپاول - کر خبری شایسته زندگی کنند، همه زندگی خود را، آرزوهای خود و تن ناچیز خود را فدا کنیم. اینها همانهایی هستند که مفر قهرمانی بخاطر حفظ حرمت و شرافتشان در برابر دشمنان خلق ۲۱ سال با صدای رسا فریاد زدند و رفاختوگی باقر زاده، عموشی، ججری، کی منش و اسماعیل ذوالقدر ۲۵ سال فریاد زدند نه و ما همه با هم گفتیم نه نه نه.
 دوستان عزیزم، پیامی را که با هم تهیه کرده بودیم برای مردم خواندیم و گفتیم که این فداکاریها و از خود گذشتگیها و خون دادنیهای شماست که عده ای از ما آزاد میشوند. پیام شما را همانروز به دانشجویان رساندم و نمیدانید چه شور و شوقی نشان دادند.
 عزیزانم تفسیرهای شما از اوضاع بیرون کم و بیش صحیح است اما نمیدانید مردم چه فضای عجیبی ایجاد کرده اند، هیچکس نمیتواند برای مدتی طولانی جلوی این نسل جوان و پر خون و بیوا را بگیرد. راستی که هیچ نیروی بالا تر از نیروی خلق نیست. راستی عزیزان من، مگر ما چه میخواستیم که چنان وحشیانه ما را کوبیدند و بارها تا مرز مرگ بردند، ما می خواستیم که جلوی چهارولگران! سوال ملی گرفته شود، ثروت مین مان بر باد نرود، وطنمان فروخته نشود، آزالی نسیرد، دموکراسی ناپسود نگردد و هر کسی بتواند آزادانه عقایدش را بجا کند. بخاطر این ایده های انسانی بود که صد ها نفر از یاران خوب ما شهید شدند، مفسود شدند و هیچکس ندانست که گورشان کجاست. خوب شاهد بودم که هرگاه در روزنامه ها خبری از غارت اموال ملی میخواندیم، وقتی که میخوانیم که عده ای جلوی اتومبیلها را میگیرند و به مال و ناموس مردم تجاوز میکنند چگونه شب خوابمان نمیرد. چشمهای مهربان شما را میبوسم که به سقف ملول دوخته شده بود و آرام میگسار میکشیدید و رنج میبردید. چرا که میدانستید همان جوانی که جلوی ماشین زن و بچه مردم را میگردد و به آنها تجاوز میکند در تحت شرایط تربیت صحیح میتواند انسان شرافتمند و مفید باشد. ما میتوانستیم از آنها فرزندان شریف و خوبی بسازیم اما دستگاه حاکمه از آنها چنانیکار ساخته بود. آری رژیم جانی چنانیک کار میبرد، چرا که مجازات خواندن یک کتاب که درس آزادی میدهد حساس است و شکنجه و آزار است. یاران من، مردم ما خوب میدانند که ما تروریست نیستیم، خوابکار نیستیم، ضد امنیتی نیستیم. زیرا تروریست آن دستگاهی است که یاران ما را از جلوی چشمان برد و ترور کرد، تروریست آن نظامی است که فردی را پس از پایان زندانش سالها در زندان نگه میدارد. راستی چه کسی تروریست است؟
 به برادرانم احمد حنیف نژاد و مسعود رجبی سلام میرسانم. مسعود جان مواظب سردرد و سینوزیت و معدهات باش. به آقای غلامرضا اشترانی، معلم خوب سلام گرم را برسانید. راستی بچه های اتاق ۱۰۱، هر وقت اشترانی خوابها هولناک میبیند و فریاد میزند زود بیستادار کنید، ۲۵ ماه در سلول کمیته بوده و اعصابش خراب شده. به اصغر ایزدی سلام میرسانم این سومین بار است که من آزاد میشوم و افسوس برایم کف میزند امیدوارم اینبار در بهسرون زیارتش بکنم. به علی محمد تشیید سلام می - بقیه در صفحه ۵



لحظه شادی آفرین آزادی فرزند بینه کشیده

کارگران نفت جنوب

پرچمدار مبارزات سیاسی کنونی بر علیه ارتجاع

رژیم منفور و ورشکسته شاه روزهای آخر عمر خود را طی میکند. مردم ایران از هر قشر و طبقه و با هر نوع آمادگی و ابزار، برای فرو ریختن کاخهای ستم و استبداد محمدرضا شاهی و آزاد ساختن ایران بپا خاسته اند. خواست انقلاب و تغییرات اساسی، تمام جامعه را در خود گرفته و هر روز آتش مبارزه بیشتر تلهور می گردد تا حکومت شاه خائن را در خود بسوزاند. در این تلاطم عظیم که سراسر ایران را بتکان در آورده است، مبارزات با شکوه و یکپارچه طبقه کارگر که در چند ماه گذشته در رأس این حرکت مبارزاتی قرار گرفته است و بویژه اعتصاب سیاسی ۳۷۰۰۰ نفر کارگران نفت که هم اکنون در ایران در جریان است، نمونه روشنی از خواست مردم ما به تغییرات اساسی میباشد.

اعتصاب کارگران نفت که پس از چندین اعتصاب محدود و موقت، سرانجام از روز ۸ آبان به یک اعتصاب سراسری و کلا با خواستهای سیاسی تکامل یافت، بوسیدگی و ضربه پذیری رژیم مزدور شاه را هرچه بیشتر عیان ساخته و از تاج ایران را در موقعیت بسیار متزلزلی قرار داد. اعتصاب کارگران نفت آن ضربه اساسی بود که دارو دسته فاشیستهای حاکم بر ایران و تمام مرتجعین را به تکاپو برای حفظ نظام از هم گسیخته خود و تلاش برای تحکیم حکومت ناتوان و ناپایدار خود، واداشت. بوقاع اگر بخصویات این مبارزه و نقش آن در مجموع حرکت جنبش در چند ماهه اخیر ونیز هم اکنون، توجه کنیم در میابیم که اعتصاب کارگران نفت در مرکز ثقل مبارزات مردم در این دوران قرار گرفته و آن مبارزهای بود و هست که نظام حاکم را بمصاف طلبیده و با اتکاء به نیروی کارگران و تمام زحمتکشان میهن، نابودیش را طلب مینماید. اعتصاب کارگران نفت از چند نظر اهمیت

اخبار مبارزات مردم

اوضاع ایران کماکان در یک حالت بحران انقلابی بسر میبرد و به عرصه مبارزات منظمی تبدیل شده است. دولت شاه خائن، به نخست وزیری از هاری مزدور سعی میکند تا با حکومت سر نیزه اقتدار خود را نشان داده و حکومت لرزان شاه را پایدار نگاهدارد.

اعتصابات کارگران و کارمندان

اعتصابات سیاسی دلیرانه کارگران و کارمندان موسسات و کارخانجات دولتی و غیر دولتی علیرغم سرکوبها و دستگیریها که توسط دولت نظامی شاه خائن انجام گرفته است هنوز ادامه دارد.

اعتصابات سراسری کارگران نفت که از ۱۰ آبان با خواست "آزادی کلیه زندانیان سیاسی" "لغو کلیه قراردادهای نفت با کنسرسیوم" و "مجازات کلیه مسببین جریانات اخیر" آغاز گردیده بود هنوز ادامه دارد. این اعتصابات روزانه حدود ۶۰ میلیون دلار به رژیم منفور شاه ضرر میرساند. پایداری و استواری کارگران نفت رژیم شاه را آنچنان به هراس انداخته است، که تمامی کوشش خود را برای بساز گردانیدن آنسان به سر کار، بکار میبرد.

دولت سعی کرده است که از طریق سندیکا های دولتی و زرد کارگران را به سر کار برگرداند ولی رهبران اعتصاب که از درون اعتصاب برخاسته اند حاضر به اتمام اعتصاب نشده اند. رژیم رهبران اعتصاب را به تهران برده تا با فشار گزاردن بر آنان اعتصاب را مجبور به شکست نمایند. اما آنان همچنان بر خواستهای سیاسی خود پافشاری کردند.

طبق گزارش یک خبرگزاری خارجی نظامی هرات عظیمی از طرف کارگران اعتصابی در روز یکشنبه ۱۴ آبان در مقابل پالایشگاه آبادان برگزار شد. این تظاهرات با حمله وحشیانه پلیس و ارتش روبرو گردید، ارتش و پلیس که نتوانست با گاز اشک آور کارگران مبارز را متفرق کند اقدام به تیراندازی نمود که ۷ نفر بشدت زخمی میشوند. ارتش برای جلوگیری از گسترش مبارزه کارگران به مردم شهر با تانک پالایشگاه را محاصره نمود. مبارزه عظیم کارگران نفت که به اتکاء اراده آهنین آنسان آغاز شده تا رسیدن به خواستهای بحقشان ادامه خواهد یافت. همین خبرگزاری به نقل از یکی از کارگران مبارز چنین می نویسد: "من از پدرم میپرسم که چرا اعتراض نمی کرد، نمیخواهم که

خاصی در دوره کنونی مبارزات مردم داشته و به آن نقش ویژه میدهد. اولاً این مبارزه در واقع اوج موجی از مبارزات طبقه کارگر ایران است که در حوالی جمعه خونین آغاز گردید و پس از آن تقریباً به تمام بخشهای صنعتی و خدمات گسترش یافت و سرعت توان حرکت را از نظام حاکم و رژیم شاه سلب نمود. اعتصابات کارگران نساجی ذوب آهن، چاپخانه، ماشین سازی و ... همه و همه تجلیات حرکت طبقه کارگر ایران و پیوستنش به مبارزات سیاسی کنونی بر علیه رژیم بودند. تمام این اعتصابات، کلا و یا بخفا، در اساس خواستهای سیاسی را طرح نموده و حتی در مواردی هم که خواستهای اقتصادی طرح گردید همه بسا هدفهای سیاسی به پیش گذاشته شده و برای تحقق اصول دموکراسی در ایران مبارزه میکنند. با لطف این دست از کار کشیدنها، هرچه بیشتر رژیم را در متلاطم بحران فرو برده و به همراه خود حرکت وسیعتری از مبارزه را بهمراه می آورد. اما زمانیکه کارگران صنایع نفت دست از کار کشیدند و یکپارچه خواستهای سیاسی خود را بیان نموده و اعلام کردند که تا کسب آنها بسر کار باز نخواهند گشت، اوضاع بواقع برای رژیم ضعیفتر اساسی پیدا کرد. نفت و درآمد آن که نقش تعیین کننده در حیات حکومت پوسیده محمدرضا شاهی ایفا میکند، بیش از آن اهمیت دارد که مرتجعین حاکم بر ایران بتوانند نسبت به اعتصاب کارگران نفت بی توجه باشند. قطع صادرات نفت بلافاصله شاه خائن را مواجه با بحران شدید مالی و خالی ماندن خزانه دولت کشور که از قبیل بیاد دادن منابع طبیعی ایران و بویژه نفت و سربدن آنها به امپریالیستها پرمیشد، روبرو گرداند و اوضاع فوق العاده بقیه در صفحه ۱۵

سخنرانی علی اشرف در ویشیان در دانشگاه صنعتی

مهر با نام، عزیزم، رفقای خوب، خواهی مانم، نمیدانم با چه زبانی از شما تشکر کنم. تشکر از شما، از همه خلق ایران که ما را نجات دادند. ما پایداری کردیم، چون هیچ گاه ایمانمان را به مردم از دست ندادیم. ما آماده شده بودیم که برای ابد در زندان بمانیم اما شما خواستید که بیرون بیاییم و آمدیم. بقیه زندانیان سیاسی، رفقا و برادران ما بر خلاف دروغ شرم آوری که دستگاه میگوید، ترور نیستند. ما همه آنها را خوب میشناسیم، از پرونده شان خبر داریم. برادران و رفقای ما در زندان نگران این مسئله هستند که میسازد همبستگی شما خنده دار شود و جنبشی که اینهمه برایمان گران تمام شده در اثر سهل انگساری و تعصب از بین برود. این پیام یکسانی از برادران مجاهد ما است. حمله کولیها و افراد نا آگاه به صفوف ما به اندازه کافی باعث ناراحتی هست، نگذارید این ناراحتیها بیشتر گردد. در همین چند روزه هم همین کلمات را از زبان مردم کوچک و بازار بارها شنیده ام. شما که در راه خلق و بخاطر رفاه آنان تلاش و جانفشان می کنید به گفته ها و خواسته های نا احترام بگذارید.

یک خلاصه ای از این چندبازی که دستگیر شده ام، بجه خاطر: بار اول در دهات گرمانشا بخاطر یادداشت هایی که داشتم و ضبط صوتی که تصه ها و ضرب المثله را از زبان مردم ضبط کرده بودم، توی دفترم یک ضرب المثل بود که یک مرد دهاتی گفته بود، اینطور: "ما سر دم

برادران عزیزم، رفقای خوب، خواهی مانم، نمیدانم با چه زبانی از شما تشکر کنم. تشکر از شما، از همه خلق ایران که ما را نجات دادند. ما پایداری کردیم، چون هیچ گاه ایمانمان را به مردم از دست ندادیم. ما آماده شده بودیم که برای ابد در زندان بمانیم اما شما خواستید که بیرون بیاییم و آمدیم. بقیه زندانیان سیاسی، رفقا و برادران ما بر خلاف دروغ شرم آوری که دستگاه میگوید، ترور نیستند. ما همه آنها را خوب میشناسیم، از پرونده شان خبر داریم. برادران و رفقای ما در زندان نگران این مسئله هستند که میسازد همبستگی شما خنده دار شود و جنبشی که اینهمه برایمان گران تمام شده در اثر سهل انگساری و تعصب از بین برود. این پیام یکسانی از برادران مجاهد ما است. حمله کولیها و افراد نا آگاه به صفوف ما به اندازه کافی باعث ناراحتی هست، نگذارید این ناراحتیها بیشتر گردد. در همین چند روزه هم همین کلمات را از زبان مردم کوچک و بازار بارها شنیده ام. شما که در راه خلق و بخاطر رفاه آنان تلاش و جانفشان می کنید به گفته ها و خواسته های نا احترام بگذارید.

یک خلاصه ای از این چندبازی که دستگیر شده ام، بجه خاطر: بار اول در دهات گرمانشا بخاطر یادداشت هایی که داشتم و ضبط صوتی که تصه ها و ضرب المثله را از زبان مردم ضبط کرده بودم، توی دفترم یک ضرب المثل بود که یک مرد دهاتی گفته بود، اینطور: "ما سر دم

اخبار، مقالات، نظرات و کمکهای مالی خود را برای ما بفرستید.

G.I.S.N.U. 75 Karlsruhe Postfach 1953 W. Germany	آدرس: دفترخانه مرکزی کندراسیون
P.O.Box 4142 Berkeley Ca. U.S.A. 94704	دفترخانه نشریات

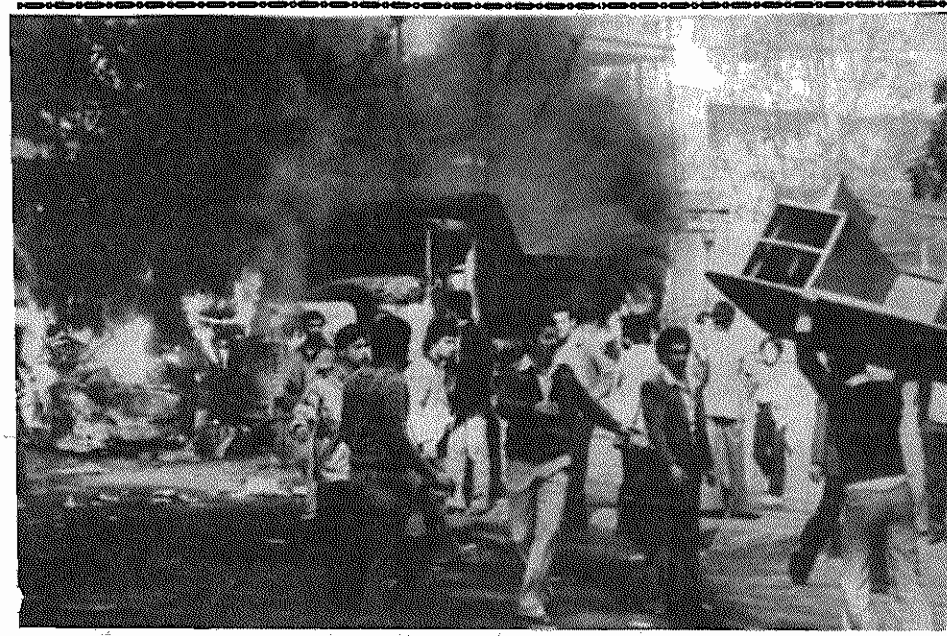
عرا آذر
را به
ایران بفرستید

فهرست مطالب:

- ۱- نه دولت نظامی، نه دولت اشتلاقی، حکومت شاه را نجات نخواهد داد. ص ۱
- ۲- نابود باد تفرقه و جدایی، پیروز بساد اتحاد کبیر خلقهای ایران. ص ۱
- ۳- گزارشی از مبارزات دلیرانه مردم آمل. ص ۶
- ۴- پنج روز پرافتخار در مبارزات مردم میهن ما (۱۵ - ۱۰ آبان). ص ۷
- ۵- کارگران نفت جنوب، پرچمدار مبارزات سیاسی کنونی بر علیه ارتجاع. ص ۱۲
- ۶- سخنرانی علی اشرف در ویشیان در دانشگاه صنعتی. ص ۱۲
- ۷- اخبار مبارزات مردم. ص ۱۲

بهرم همین را در مورد خود من بگوید. درود بر کارگران قهرمان و مبارز ایران. در روز ۲۲ آبان ارتش فاشیست شاه پالایشگاه آبادان را بطور کامل اشغال نموده و ۱۲ نفر از کارگران مبارزی را که کمیته رهبری اعتصاب را تشکیل داده بودند، دستگیر کرده اند. طبق گفته کارگران حدود ۱۰٪ کارگران کارگاه مرکزی که مرکز اصلی اعتصاب بوده است غایب بوده و بنظر میرسد که به همراه کمیته ۱۲ نفری رهبری اعتصاب باز داشت شده اند.

رژیم برای درهم شکستن اعتصاب حدود ۲۰۰ نفر کارکنان خارجی و ۴۰۰ نفر تکنیسین ارتش را به کارگمارده است که بتوانند جلوی قطع کامل صادرات نفت را بگیرد. رژیم شاه برای برگردانیدن کارگران بر سر کار به اقدامات مختلفی دست زده است از جمله اینکه سعی نموده عده ای از افراد باز نشسته شرکت نفت را بکار بگمارد ولی علیرغم همه اینها طبق اخبار رسمی و لوموند اعلام پایان اعتصاب توسط رژیم شاه که تا کنون چندین بار انجام گرفته دروغ بوده و اعتصاب کارگران نفت کماکان ادامه دارد. شکست دولت از هاری خائن در پایان دادن به این اعتصاب که در نتیجه ایستادگی و مبارزه جوی کارگران دلیر نفت بوقوع پیوسته است، موقعیت رژیم فرسوده و پوسیده شاه را باز هم ضعیف تر نموده است.



صحنه ای از خشم انقلابی خلق

انقلاب مسلحانه توده یی تنها راه استقرار جمهوری دموکراتیک خلق است!